

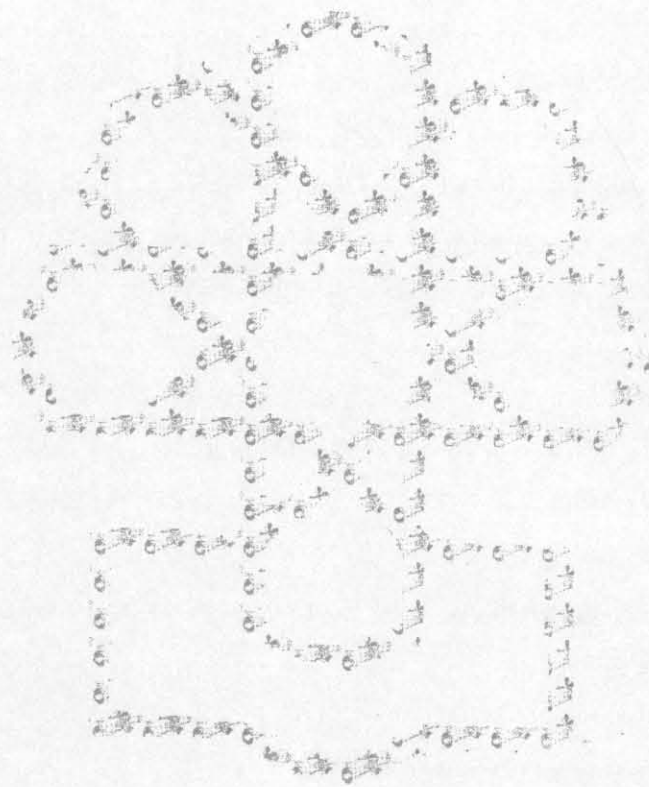


مجلس شورای اسلامی

مرکز پژوهش‌ها



ارزیابی بخش تجارت خارجی در برنامه اول و دوم



معاونت پژوهشی
اردیبهشت ۱۳۷۸

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی ماری
شماره: ۱۰۸۱۹
تاریخ: ۷۸/۳/۵

کد گزارش: ۲۴۰۴۲۵۱

بسمه تعالی

ارزیابی بخش تجارت خارجی در برنامه‌های اول و دوم

کد گزارش: ۲۴۰۴۲۵۱

فهرست مطالب

۲	نکات برجسته
۱۴	۱- مقدمه
۱۵	۲- کشورهای در حال توسعه و استراتژی‌های تجاری
۱۸	۳- استراتژی تجاری در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲)
۲۲	۴- استراتژی تجاری در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
۲۲	۵- عملکرد بخش بازرگانی خارجی در دوره (۱۳۵۷-۱۳۶۶)
۲۶	۱-۵- صادرات
۲۸	۲-۵- واردات
۲۸	۶- سیاست‌های تجاری در برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)
۳۳	۷- سیاست‌های تجاری سال ۱۳۷۳
۳۵	۸- سیاست‌های تجاری در برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
۳۶	۹- عملکرد بازرگانی خارجی طی برنامه اول و دوم پس از انقلاب
۳۶	۱-۹- صادرات
۳۹	۲-۹- واردات
۴۷	۳-۹- مشکلات موجود در بخش صادرات کشور
۴۷	۴-۹- مشکلات موجود در بخش واردات
۴۸	۱۰- تحلیلی بر عملکرد بازرگانی خارجی در برنامه اول
۴۹	۱۱- تحلیلی بر عملکرد بازرگانی خارجی طی سال‌های اول و دوم برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۵۲	۱۲- خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۵۷	منابع و مأخذ

* براساس تئوری‌های اقتصادی و دیدگاه مکاتب مختلف اقتصادی؛ تجارت خارجی از متغیرهای مهم و محوری در مدل اقتصادی کشورهای مختلف می‌باشد. به طوری که می‌تواند رشد و توسعه اقتصادی کشورها را تحت تأثیر معنی دار خود قرار دهد. بنابراین شناخت دقیق و علمی جوانب متعدد آن، ایجاد شفافیت کامل در آنها و طراحی استراتژی مبتنی بر عقلانیت اقتصادی، شرایط رشد و توسعه و منابع و امکانات جامعه، سیاست‌ها و خط مشی‌های علمی و کارا و... همواره به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای سیاست‌گذاران اقتصادی مطرح بوده است.

* مبانی نظری تئوری‌های تجارت خارجی، تجربه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در یک جمع بندی کلی حکایت از این واقعیت دارد که به استثنای تعداد بسیار محدودی از کشورهای کوچک جهان اکثر قریب به اتفاق کشورهای دیگر در فرایند رشد و توسعه اقتصادی خود ابتدا از استراتژی جایگزین واردات استفاده کرده‌اند و به مرور زمان به استراتژی توسعه صادرات و برون‌گرایی روی آورده‌اند. زمان و دوره استفاده از استراتژی جایگزینی واردات در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. جدول شماره ۱ استراتژی تجاری، رشد صادرات و رشد تولید ناخالص ملی در ۱۰ کشور منتخب را برای دوره‌های مختلف نشان می‌دهد. نکته مهم و قابل توجه این که شرایط و فضای داخلی و بین‌المللی که کشورهای مختلف از استراتژی‌های مختلف تجاری استفاده کرده‌اند، متفاوت بوده است. تجربه استراتژی جایگزین واردات در کشورهای صنعتی که از شرایط داخلی و بین‌المللی بهتری برخوردار بوده‌اند مثبت ارزیابی می‌شود. در حالی که تجربه استفاده از سیاست جایگزین واردات در کشورهای در حال توسعه که تقریباً به تقلید از کشورهای صنعتی دست به انتخاب آن زده‌اند منفی ارزیابی می‌شود به طوری که این کشورها طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تلاش در جایگزینی استراتژی توسعه صادرات به جای جایگزینی واردات نموده‌اند.

* به عنوان مثال همان‌گونه که آمار و اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد کشور برزیل طی دوره ۱۹۵۵-۱۹۶۰ و ۱۹۶۰-۱۹۶۵ که از سیاست جایگزین واردات استفاده کرده است با کاهش نرخ رشد اقتصادی از ۶/۹

درصد به ۴/۲ درصد روبه رو بوده است. طی دوره ۱۹۶۵-۱۹۷۰ و ۱۹۷۰-۱۹۷۶ که از استراتژی توسعه صادرات استفاده کرده است با افزایش نرخ رشد اقتصادی از ۷/۶ درصد به ۱۰/۶ درصد مواجه بوده است. در مورد سایر کشورهای جدول نیز چنانچه مشاهده می شود در هر دوره ای که تشویق صادرات اعمال گردیده رشد اقتصادی بالاتری حاصل شده است. قابل ذکر است که به کارگیری استراتژی جایگزینی واردات معتدل نیز نتایج بهتری از استراتژی جایگزین واردات محض داشته است. تجربه کشورهای اندونزی، تایلند، تونس در جدول شماره ۱ بیانگر این واقعیت می باشد.

* تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می دهد که این کشورها ابزارهای سیاستی متعدد و متفاوتی برای مدیریت و نظارت بر عملکرد بخش تجاری اقتصادشان به کار گرفته اند. مشوق های متعدد، یارانه های پنهان و آشکار برای تشویق صادرات، کنترل واردات از طریق موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای، تشویق سرمایه گذاری خارجی، محدودیت ورود و عمل نهادهای مالی خارجی، تنظیم و کنترل ارز، محدودیت ورود و خروج وجوه و... از جمله برخی از این اقدامات و ابزارها می باشند. کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه از اواسط دهه ۱۹۸۰ به آزادسازی تجاری جهت کارا نمودن تجارت خارجی خود روی آورده اند. برای انجام این منظور عمدتاً به اصلاح و کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای روی آورده اند. به عنوان مثال در اندونزی بیش از ۹۵ درصد اقلام تعرفه ای محدودیت مقداری ندارند، متوسط نرخ های تعرفه در مالزی کمتر از ۱۰ درصد و در کره جنوبی کمتر از ۸ درصد می باشد. تایلند در سال ۱۹۹۷ نرخ های فزاینده تعرفه را به سه نرخ استاندارد ۵، ۱۰ و ۲۰ درصد تقلیل داده است. چین متوسط نرخ تعرفه را از ۲۳ درصد به ۱۷ درصد کاهش داده و فرایند آزادسازی تجاری را در چارچوب توصیه های سازمان های APEC, W.T.O و ASEAN شروع کرده است. کشورهای آسیای جنوبی عموماً روند آزادسازی تجاری را در دهه ۱۹۹۰ تسریع نموده اند. هند حداکثر نرخ تعرفه واردات را از ۱۵۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش داد و تحریم واردات بسیاری از کالاها را حذف نمود. پاکستان حداکثر تعرفه را از ۹۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش داد، بنگلادش نیز حداکثر نرخ تعرفه را که در سال ۱۹۹۰

بیش از ۱۰۰ درصد بود به ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش داده است.

* کشورهای آسیای مرکزی نیز طی سال‌های اخیر آزادسازی تجاری و اصلاحات اساسی بسیاری را در تجارت خارجی خود انجام داده‌اند.^۱

* در ایران نیز طی سال‌های اخیر و به ویژه بعد از اتمام جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تحولات اقتصادی سال‌های اواخر دهه ۱۳۶۰، مسائل و مشکلات اقتصاد تک محصولی نفت و... شرایط و فضای داخلی اقتصاد و فضای اقتصاد جهانی، تجارت خارجی کشور را با سؤالات فراوانی مواجه نمود: این که در شرایطی که اقتصاد جهانی به سمت آزادسازی تجارت خارجی و جهانی شدن اقتصاد حرکت می‌کند، اقتصاد ایران از چه استراتژی برخوردار است؟ تجارت خارجی از چه استراتژی برخوردار بوده یا باید باشد؟ در چنین فضایی برنامه اول توسعه اقتصادی شکل گرفت و در ادامه آن برنامه دوم توسعه تدوین و به اجرا درآمد که در حال حاضر ما را با سؤالات دیگری مواجه نموده است.

برنامه اول توسعه اقتصادی از چه استراتژی در بخش تجارت خارجی برخوردار بوده است؟ برنامه دوم چگونه؟ آیا خط مشی‌های برنامه اول و دوم توسعه حاکی از برخورداری از یک استراتژی مشخص است؟ آیا خط مشی‌های تجاری برنامه‌های اول و دوم متناسب با شرایط اقتصادی کشور تنظیم شده‌اند؟ استراتژی‌های تجاری به کار گرفته شده در قالب برنامه اول و دوم تا چه حد قادر به حل مشکلات تجاری اقتصاد ایران بوده‌اند. عملکرد تجارت خارجی کشور طی دو برنامه اول و دوم چگونه بوده است؟ آیا اهداف برنامه در بخش تجارت خارجی تحقق یافته یا خیر؟ در صورتی که عملکرد برنامه از اهداف آنها انحراف دارد، این عدم تحقق یا انحراف ناشی از چه عواملی است؟ آیا اهداف و استراتژی برنامه‌ها با مشکل مواجه بودند یا عدم تحقق اهداف به مشکلات اجرایی برمی‌گردد؟ نقش نهادهای مختلف مرتبط با بخش تجارت خارجی در تحقق اهداف برنامه‌ها یا عدم توفیق آنها چگونه بوده است؟ و سؤالات بسیار دیگری از این قبیل.

* مطالعه اهداف کلی برنامه اول توسعه و اهداف کیفی و کمی بخش تجارت خارجی در آن نشان می‌دهد که استراتژی تجاری حاکم بر برنامه اول حمایت و تشویق صادرات و محدود کردن واردات بوده است. در برنامه دوم نیز توسعه بیش از پیش صادرات غیر نفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی

1. Economic and Social Survey of Asia and the Pacific, United Nations, New York, 1998, PP. 72-78.

به عنوان یک هدف کیفی مطرح بوده و سیاست‌ها و خط مشی‌هایی نیز جهت حصول این هدف در نظر گرفته شده است. اگرچه در برنامه اول گرایش به ترکیبی از تشویق صادرات و جایگزینی واردات و در برنامه دوم بیشتر برون‌گرایی مطرح بوده است اما در عمل در هیچ کدام از برنامه‌ها استراتژی تجاری روشن و شفاف رسمی اعلام نگردید. حتی می‌توان اظهار داشت با وجود گرایش تشویق صادرات و برون‌گرایی در برنامه‌ها عملاً سیاست‌ها و خط مشی‌های به کار گرفته شده در جهت این اهداف نبوده و بیشتر نگاه به درون داشته‌اند به طوری که هنوز هم دستگاه‌های متولی صدور مجوز برای ایجاد صنایع جدید حجم مصرف داخلی را به عنوان مهم‌ترین شاخص و معیار تصمیم‌گیری استفاده می‌نمایند.

* حتی می‌توان گفت اگر در برنامه‌ها استراتژی برون‌گرایی نیز به طور شفاف مطرح و پیگیری می‌شد با توجه به ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور و نحوه شکل‌گیری و عملکرد سازمان‌ها و مؤسسات مختلف فعال در آن اعم از نظام بانکی، بیمه، اداری، مالیاتی، تجاری و... که بیشتر در راستای تسهیل واردات شکل گرفته‌اند، در عمل با مشکل مواجه می‌شد. به عنوان نمونه با وجود این که گمرک در اکثر کشورها وابسته به وزارت بازرگانی است و مهم‌ترین هدفی که دنبال می‌کند تسهیل فرایند تجارت می‌باشد اما در ایران گمرک هنوز وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی است و هدف کسب درآمد را پیگیری می‌کند.

* مسئله تأمین «امنیت» و «تأمین مالی» دو عامل اساسی و محوری در موفقیت تجارت خارجی است که در کشورهای دیگر از طریق نظام بانکی، مؤسسات مالی غیربانکی، شرکت‌های بیمه بازرگانی و بیمه‌های صادراتی این مهم صورت می‌گیرد. قابل توجه است که عملکرد نظام بانکی در زمینه تجارت خارجی و به ویژه صادرات کاملاً مبهم و غیرشفاف و ضعیف است. متولی بیمه‌های صادراتی نیز که صندوق ضمانت صادرات ایران وابسته به وزارت بازرگانی می‌باشد، از عملکرد قابل توجهی در زمینه پوشش ریسک‌های اقتصادی و سیاسی برخوردار نمی‌باشد. هنوز به صادرات در مدل اقتصادی ایران به عنوان یک متغیر وابسته پرداخته می‌شود. قوانین و مقررات فعلی در زمینه‌های مختلف عمدتاً بازدارنده بوده و با تغییرات مکرر خود در طول زمان مشکلات تجارت خارجی و به ویژه صادرات را چند صد برابر

می نمایند. در یک جمع بندی کلی می توان گفت با وجود تدوین و اجرای برنامه اول و دوم توسعه، کشور همچنان در نگرش تجاری و اتخاذ استراتژی تجاری هدفمند و برنامه ریزی شده مشکل دارد.

* براساس اهداف کمی برنامه اول پیش بینی شده که طی سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ صادرات غیر نفتی کشور بالغ بر ۱۷۸۳۶ میلیون دلار و صادرات نفت بالغ بر ۸۳۰۹۶ میلیون دلار گردد. حجم واردات نیز طبق برنامه باید طی سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ به رقم ۱۱۴۳۰۰ میلیون می رسید. عملکرد برنامه اول به ترتیب ارقام صادرات غیر نفتی، نفتی و واردات را ۱۱۷۴۰، ۶۹۱۵۱ و ۱۱۱۱۱۳ میلیون دلار نشان می دهد. نکته قابل تأمل در عملکرد برنامه اول اختلاف رقم حدود ۶ میلیارد دلاری مربوط به صادرات غیر نفتی، بین ارقام مصوب و عملکرد می باشد.

* در برنامه دوم نیز دریافت های ارزی حاصل از صادرات غیر نفتی و نفتی به ترتیب ۲۷۵۲۷ و ۷۲۶۵۸ میلیون دلار پیش بینی شده است. همچنین ۹۱۹۷۹ میلیون دلار نیز برای واردات طی سال های برنامه در نظر گرفته شده است. قابل ذکر است ارقام مصوب و عملکرد برنامه اول و دوم و نمودار مقایسه ای آنها در انتهای این بخش آورده شده است.

* به طور کلی عملکرد تجارت خارجی کشور طی سال های دو برنامه توسعه نشان می دهد که بخش صادرات غیر نفتی با بیشترین مشکل و کمترین موفقیت مواجه بوده است. بخش عمده ای از این مشکلات به نوع نگرش سیاست گذاران اقتصادی، ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه، شفاف نبودن استراتژی تجاری و سیاست ها و خط مشی آن بر می گردد و بخش بسیار عمده تری از مشکلات مذکور و عدم موفقیت صادرات غیر نفتی کشور به عدم اجرای صحیح و به موقع قوانین و مقررات و آیین نامه ها و دستورالعمل ها بر می گردد. به طور کلی برخی از مهم ترین موانع و تنگناهای توسعه صادرات غیر نفتی در کشور را می توان به شرح زیر فهرست نمود:

- ۱- فقدان عزم ملی و ضعف فرهنگ صادراتی و نگاه به بازارهای داخلی.
- ۲- وجود قوانین و مقررات متضاد، بی ثبات و دست و پاگیر و فقدان یک مرجع واحد برای تصمیم سازی و تصمیم گیری سیاست های بازرگانی.
- ۳- ساختار غیر رقابتی بازار، ضعف اطلاع رسانی و خدمات بازرگانی و نازل بودن کارایی تجاری.

- ۴- فشارهای تورمی و تأثیر آنها بر نرخ واقعی ارز و صادرات.
 - ۵- وجود درآمدهای نفتی و یارانه‌های آشکار فراوان در بودجه دولت که موجب تحریف قیمت‌ها و ایجاد رانت اقتصادی می‌شود.
 - ۶- عدم تناسب و تطابق بین الگوی تولید و مصرف.
 - ۷- فقدان یک مکانیسم قیمت‌گذاری کارادر اقتصاد کشور و وجود قیمت‌های اختلال‌زا.
 - ۸- خام فروشی و کاهش قیمت واحد کالاهای صادراتی.
 - ۹- دور ماندن از ترتیبات جهانی W.T.O .
 - ۱۰- وجود قاچاق کالا و گسترش روز افزون آن .
 - ۱۱- رشد موانع غیر تعرفه‌ای (کیفی) در کشورهای صنعتی پیشرفته.
 - ۱۲- تمرکز کالایی و کشوری در صادرات و واردات.
- * قابل توجه است که مدل تجارت خارجی از نظر اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و عملکرد به صورت تفصیلی در متن گزارش اصلی تجزیه و تحلیل گردیده است و در پایان گزارش نیز ملاحظه و نتیجه‌گیری گزارش و چند توصیه سیاستی آورده شده است.

جدول ۱- استراتژی تجاری، رشد صادرات و رشد تولید ناخالص ملی در ۱۰ کشور منتخب

کشور	دوره زمانی	استراتژی تجاری	نرخ رشد متوسط سالانه	
			درآمدهای صادراتی	تولید ناخالص ملی واقعی (GNP)
برزیل	۱۹۶۰-۱۹۵۵	I . S	-۲/۳	۶/۹
	۱۹۶۵-۱۹۶۰	I . S	۴/۶	۴/۲
	۱۹۷۰-۱۹۶۵	E . P	۲۸/۲	۷/۶
	۱۹۷۶-۱۹۷۰	E . P	۲۴/۳	۱۰/۶
شیلی	۱۹۷۰-۱۹۶۰	I . S	۹/۷	۴/۲
کلمبیا	۱۹۶۰-۱۹۵۵	I . S	-۰/۸	۴/۶
	۱۹۶۵-۱۹۶۰	I . S	-۱/۹	۱/۹
	۱۹۷۶-۱۹۷۰	E . P	۱۶/۹	۶/۵
اندونزی	۱۹۷۲-۱۹۶۵	M.I.S	۱۸/۹	۶/۸
ساحل عاج	۱۹۷۲-۱۹۶۰	E . P	۱۱/۲	۷/۸
کره جنوبی	۱۹۶۰-۱۹۵۳	I . S	-۶/۱	۵/۲
	۱۹۷۰-۱۹۶۰	E . P	۴۰/۲	۸/۵
	۱۹۷۶-۱۹۷۰	E . P	۴۳/۹	۱۰/۳
پاکستان	۱۹۶۰-۱۹۵۳	I . S	-۱/۵	۳/۵
	۱۹۷۰-۱۹۶۰	I . S	۶/۲	۶/۸
تایلند	۱۹۷۰-۱۹۶۰	M.I.S	۵/۵	۸/۲
	۱۹۷۶-۱۹۷۰	M.I.S	۲۶/۲	۶/۵
تونس	۱۹۷۰-۱۹۶۰	I . S	۶/۸	۴/۶
	۱۹۷۶-۱۹۷۰	M.I.S	۲۳/۴	۹/۴
اروگوئه	۱۹۷۰-۱۹۵۵	I . S	۱/۶	۰/۷

E.P: Export Promotion, I.S. Import Substitution, M.I.S: Moderate Import Substitution.

* Surs: Carbaugh. "International Economics". 1992

جدول ۲- مقایسه اهداف و عملکرد صادراتی و ترکیب صادرات در برنامه اول توسعه

(ارقام به میلیون دلار)

سال	صادرات غیر نفتی		صادرات نفتی		کل صادرات			
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	نفت و گاز	صنعتی
۱۳۶۸	۳۵۶۷.۲	۱۰۴۴	۱۶۶۱۹/۲	۱۲۰۳۷	۲۰۱۸۶/۴	۱۳۰۸۱	۱۲۰۳۷	۱۲۳
۱۳۶۹	۳۵۶۷.۲	۱۳۱۲	۱۶۶۱۹/۲	۱۷۹۹۳	۲۰۱۸۶/۴	۱۹۳۰۵	۱۷۹۹۳	۲۴۲
۱۳۷۰	۳۵۶۷.۲	۲۶۴۹	۱۶۶۱۹/۲	۱۶۰۱۲	۲۰۱۸۶/۴	۱۸۶۶۱	۱۶۰۱۲	۶۶۰
۱۳۷۱	۳۵۶۷/۲	۲۹۸۸	۱۶۶۱۹/۲	۱۶۸۸۰	۲۰۱۸۶/۴	۱۹۸۶۸	۱۶۸۸۰	۹۷۱
۱۳۷۲	۳۵۶۷.۲	۳۷۴۷	۱۶۶۱۹/۲	۱۴۳۳۳	۲۰۱۸۶/۴	۱۸۰۸۰	۱۴۳۳۳	۱۱۹۲
جمع کل	۱۷۸۳۶	۱۱۷۴۰	۸۳۰۹۶	۷۷۲۵۵	۱۰۰۹۳۲	۸۸۹۹۵	۷۷۲۵۵	۳۱۸۱۸

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

گمرک جمهوری اسلامی ایران

* قابل ذکر است که چون در برنامه اول ارقام مصوب صادرات نفتی و غیر نفتی تنها به صورت کلی مشخص بود و نرخ رشدی هم اعلام نگردیده بود لذا ارقام کل را به تعداد سال‌ها تقسیم و به عنوان ارقام مصوب هر سال منظور گردید.

جدول ۳- مقایسه اهداف و عملکرد صادراتی و ترکیب صادرات در برنامه دوم توسعه

(ارقام به میلیون دلار)

سال	صادرات غیر نفتی		صادرات نفتی		کل صادرات			
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	نفت و گاز	صنعتی
۱۳۷۳	۴۲۰	۴۸۳۱	۱۳۴۶۰	۱۴۶۰۳	-	۱۹۴۳۴	۱۴۶۰۳	۱۵۱۰
۱۳۷۴	۴۴۶۶	۳۲۵۷	۱۳۹۱۶	۱۵۱۰۳	۱۸۳۸۲	۱۸۳۶۰	۱۵۱۰۳	۱۲۷۶
۱۳۷۵	۴۸۴۱	۳۱۲۰	۱۴۳۸۶	۱۹۲۷۱	۱۹۲۲۷	۲۲۳۹۱	۱۹۲۷۱	۱۴۱۳
۱۳۷۶	۵۲۴۷	۲۹۱۰	۱۴۸۷۳	۱۵۴۶۴	۲۰۱۲۰	۱۸۳۷۴	۱۵۴۶۴	۱۷۰۲
۱۳۷۷*	۵۶۸۸	۱۵۳۱	۱۵۳۷۶	-	۲۱۰۶۴	۱۵۳۱	-	۸۸۴
۱۳۷۸	۶۱۶۵	-	۱۵۸۹۶	-	-	-	-	-
جمع کل								

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

- گمرک جمهوری اسلامی ایران

* آمار سال ۱۳۷۷ مربوط به ۷ ماهه اول سال می‌باشد و از گمرک جمهوری اسلامی ایران اخذ گردیده است.

جدول ۴- ترازبازرگانی ایران همراه با صادرات نفت و گاز و بدون
نفت و گاز طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۷

(ارقام به میلیون دلار)

سال	صادرات		ترازبازرگانی	
	نفتی	غیرنفتی	واردات	همراه بانفت و گاز / بدون نفت و گاز
۱۳۶۸	۱۲۰۳۷	۱۰۴۴	۱۲۸۰۷	۲۷۴
۱۳۶۹	۱۷۹۹۳	۱۳۱۲	۱۸۷۲۲	۵۸۳
۱۳۷۰	۱۶۰۱۲	۲۶۴۹	۲۹۶۷۷	-۱۱۰۱۶
۱۳۷۱	۱۶۸۸۰	۲۹۸۸	۲۹۸۷۰	-۹۶۸۰
۱۳۷۲	۱۴۳۳۳	۳۷۴۷	۲۰۰۳۷	-۱۸۰۵
۱۳۷۳	۱۴۶۰۳	۴۸۳۱	۱۱۷۹۵	۷۶۳۹
۱۳۷۴	۱۵۱۰۳	۳۲۵۷	۱۲۳۱۳	۶۰۴۷
۱۳۷۵	۱۹۲۷۱	۳۱۲۰	۱۵۱۱۷	۷۲۷۴
۱۳۷۶	۱۵۴۶۴	۲۹۱۰	۱۴۱۹۵	۴۱۷۹
۱۳۷۷*	-	۱۵۳۱	۹۲۰۰	-۷۶۶۹

* آمار صادرات غیرنفتی و واردات سال ۱۳۷۷ مربوط به ۷ ماهه اول سال می‌باشد.

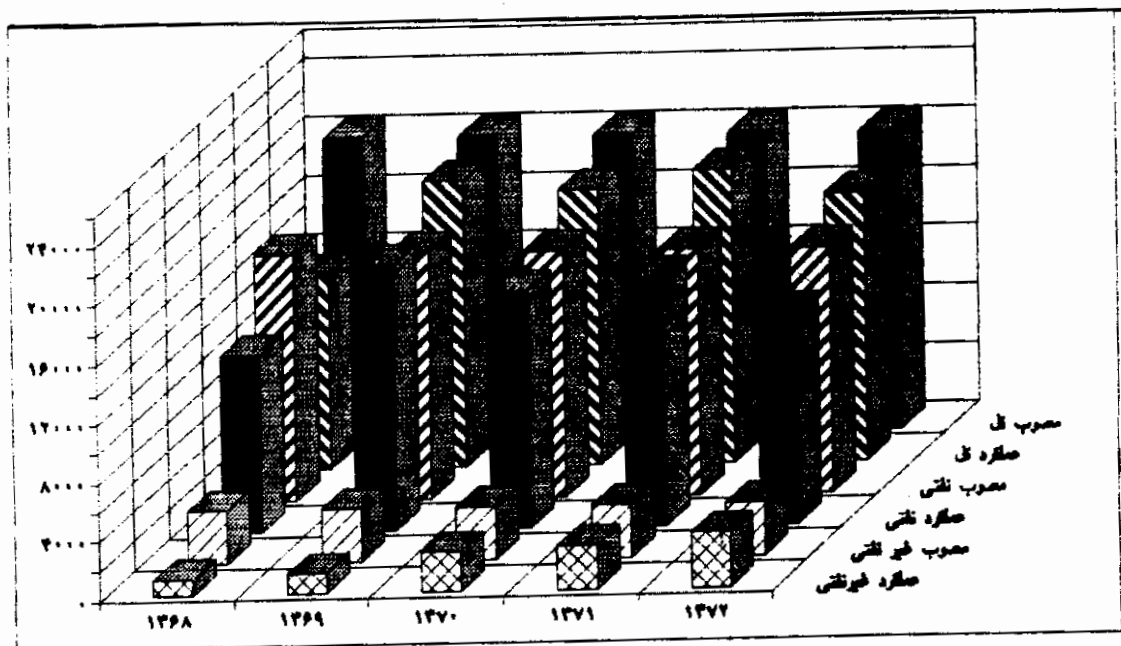
جدول ۵- مقایسه ارقام مصوب و عملکرد واردات طی دوره

۱۳۶۸-۱۳۷۷

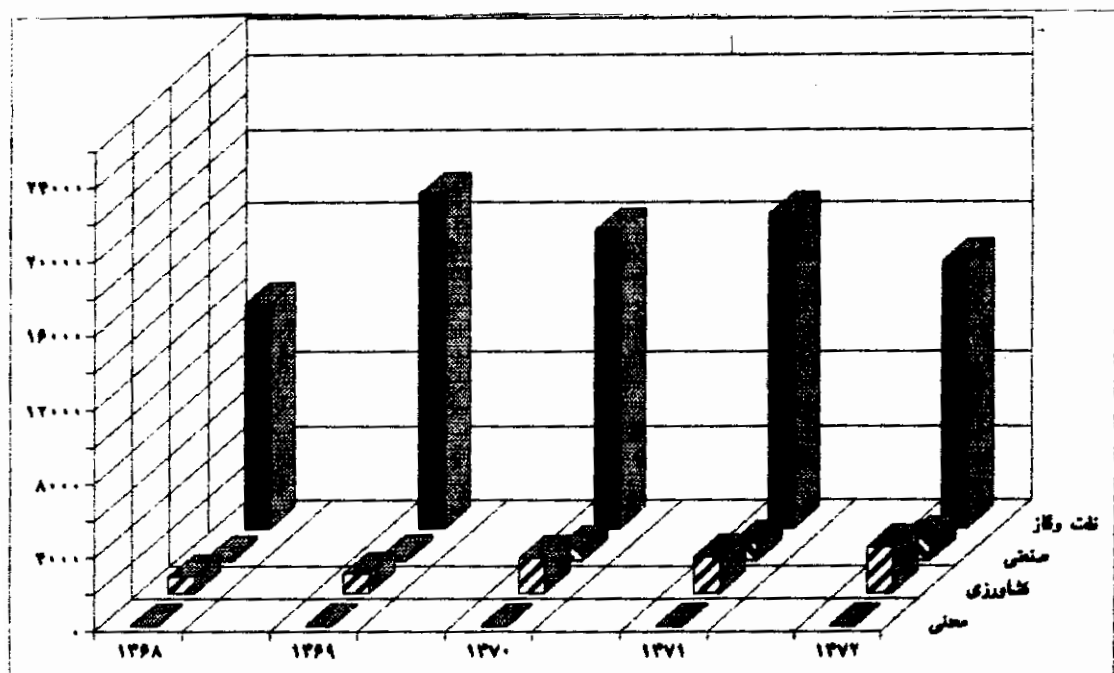
سال	مصوب	عملکرد
۱۳۶۸	۲۲۸۶۰	۱۲۸۰۷
۱۳۶۹	۲۲۸۶۰	۱۸۷۲۲
۱۳۷۰	۲۲۸۶۰	۲۹۶۷۷
۱۳۷۱	۲۲۸۶۰	۲۹۵۴۸
۱۳۷۲	۲۲۸۶۰	۱۹۸۸۵
۱۳۷۳	۱۶۵۰۸/۱	۱۱۷۹۵
۱۳۷۴	۱۷۲۲۵/۳	۱۲۳۱۳
۱۳۷۵	۱۷۹۷۳/۶	۱۵۱۱۷
۱۳۷۶	۱۸۷۵۴/۴	۱۴۱۹۵
۱۳۷۷	۱۹۵۶۹/۲	۹۲۰۰

آمار عملکرد سال ۱۳۷۷، مربوط به ۷ ماهه اول می‌باشد. چون ارقام مصوب برای برنامه اول وجود نداشت رقم کل واردات مصوب بر تعداد سال‌ها تقسیم و منظور گردید.

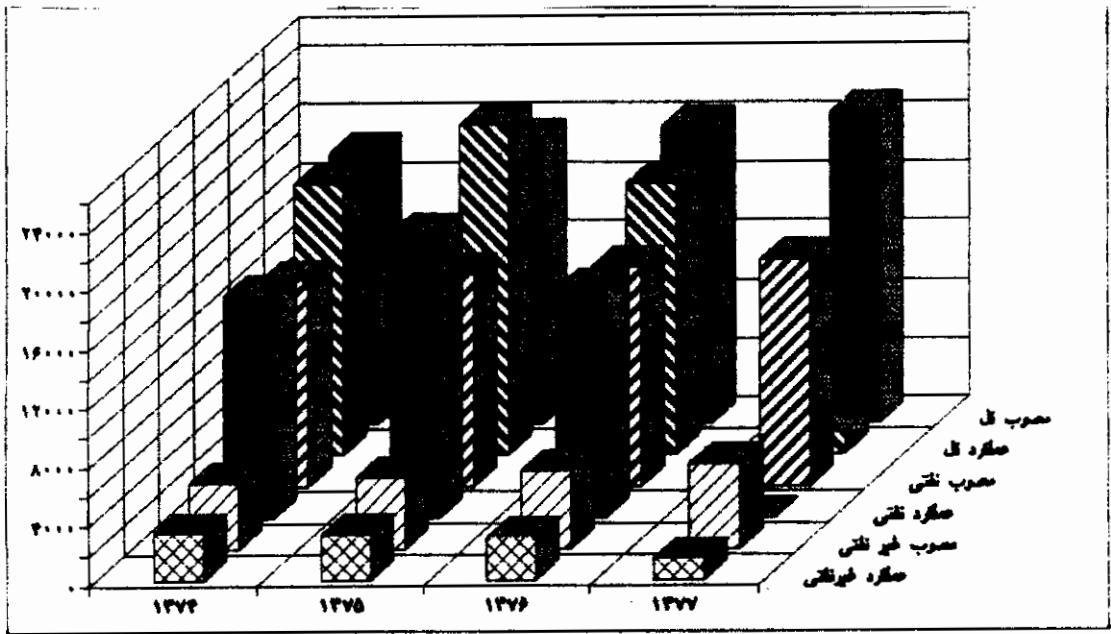
نمودار ۱- مقایسه ارقام مصوب و عملکرد صادرات سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲



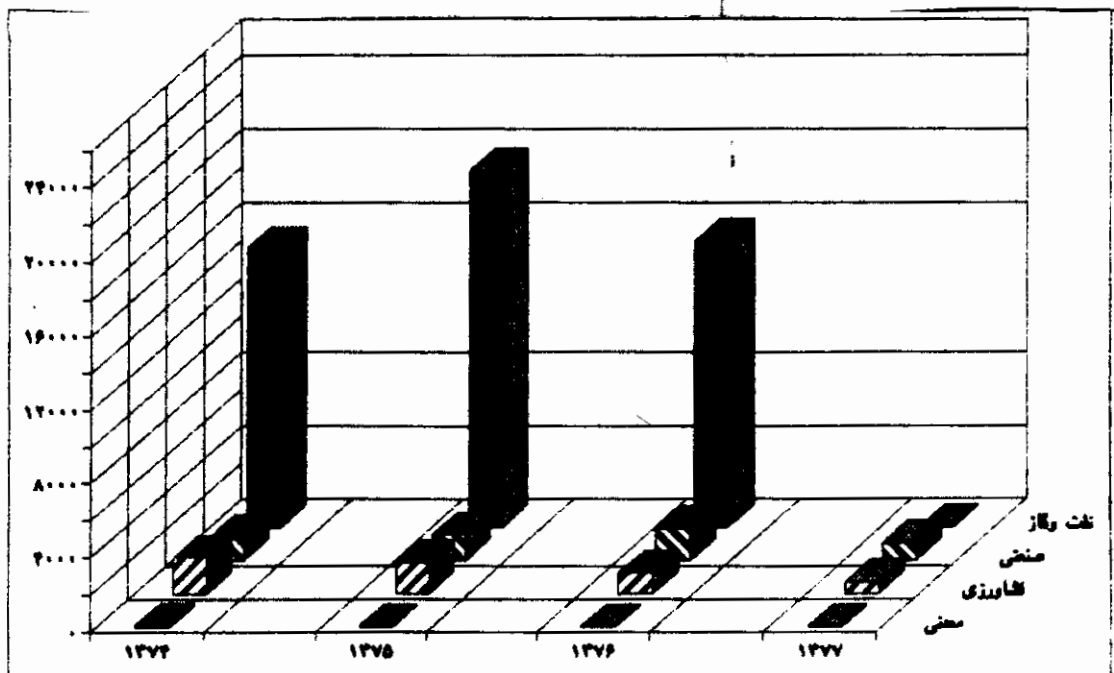
نمودار ۲- ترکیب صادرات سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲



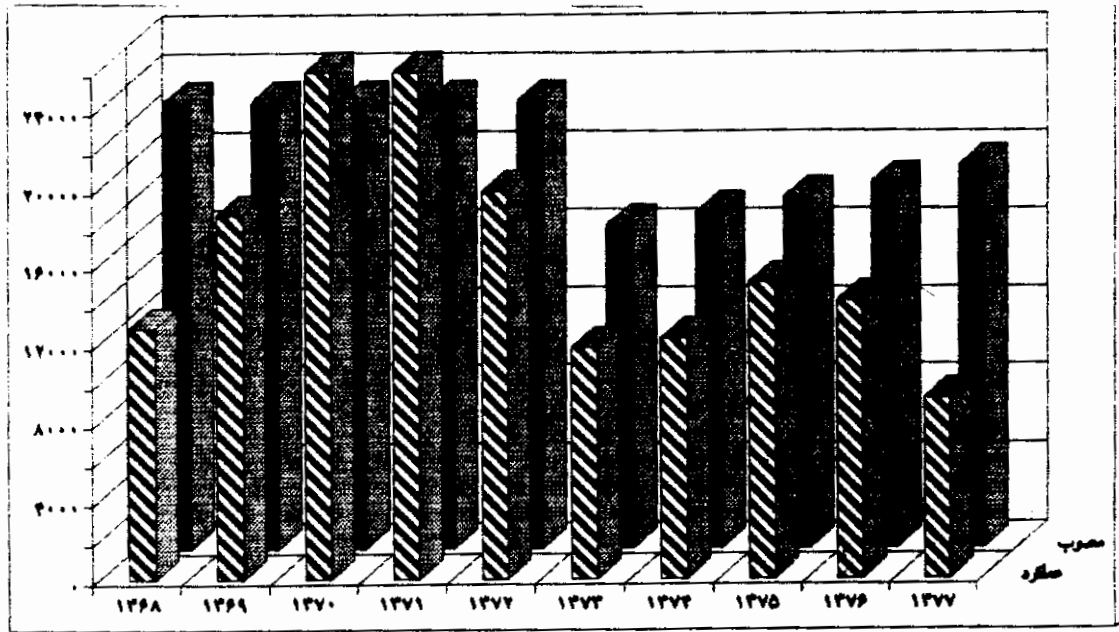
نمودار ۳- مقایسه ارقام مصوب و عملکرد صادرات سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۴



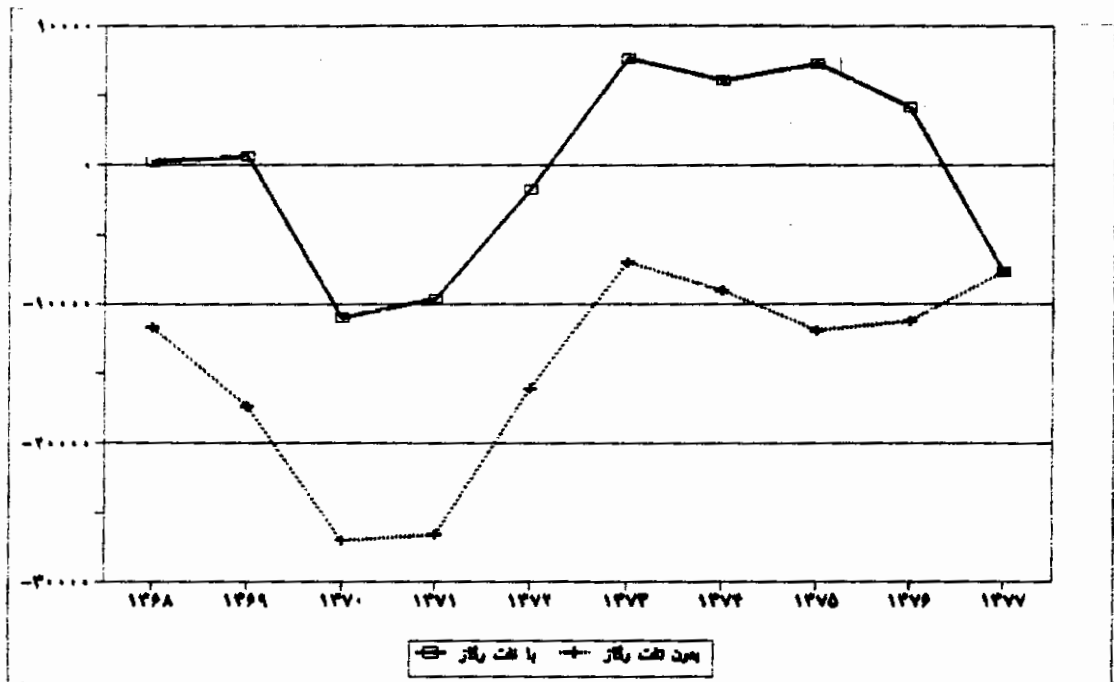
نمودار ۴- ترکیب صادرات سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۴



نمودار ۵- مقایسه ارقام مصوب و عملکرد واردات سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۷



نمودار ۶- تراز بازرگانی ۱۳۶۸-۱۳۷۷



در تئوری‌های اولیه اقتصاد بین‌الملل نظیر تئوری کلاسیک‌ها، آزادی تجارت خارجی بدون هیچ قید و شرطی حمایت می‌شد، درحالی‌که تئوری‌های بعدی از جمله تئوری فردریگ لیست با تأکید بر شرایط خاصی که برخی کشورها داشته‌اند با طرح ملاحظاتی در اقتصاد بین‌الملل محدودیت تجارت آزاد را توجیه نمود. بدیهی است امروزه تجارت بین‌الملل به صورت کاملاً آزاد در هیچ کشوری وجود ندارد ولی گرایش کشورها به تجارت آزاد یا محدودسازی آن می‌تواند منشأ سیاست‌های متفاوتی باشد.

نکته حائز اهمیت این که تحقیق حاضر بر مبنای تئوری‌های محض تجارت بین‌الملل شکل نگرفته بلکه با توجه به مبانی اقتصاد توسعه مطرح می‌شود. چرا که سطح توسعه به عنوان یک عامل اساسی مجموعه شرایطی را بر کشورها تحمیل می‌نماید که استراتژی‌های تجاری آنها را به طور اساسی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در کشورهای در حال توسعه به سبب وجود ویژگی‌های خاصی که دارند، ضرورت‌ها و اجبارهایی شکل می‌گیرد که این کشورها را به سمت اتخاذ استراتژی‌های تجاری خاصی رهنمون می‌شود. در این تحقیق ما برآنیم که ضمن تشریح وضعیت کلی کشورهای در حال توسعه به لحاظ شرایط تجارت بین‌المللی آنها و تشریح استراتژی‌های تجاری آنها ضمن مرور بر تجربه سایر کشورها، تجارت خارجی کشور را به لحاظ نوع استراتژی تجاری حاکم بر آن مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا لازم می‌دانیم که مروری بر اهداف و خط‌مشی‌های بخش تجارت خارجی داشته باشیم و به علاوه عملکرد بخش تجارت خارجی را مورد بررسی قرار دهیم و ضمن تحلیل عملکرد دو برنامه توسعه بعد از انقلاب، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تجارت خارجی را در کنار آن قرار دهیم. قطعاً نمی‌توان در این تحقیق به صورت دقیق مشخص نمود که چه مقدار از عدم توفیقاتها به علت انتخاب استراتژی غلط یا چه قدر مرتبط با اشتباه بودن یا بد اجرا شدن یک خط‌مشی خاص است. اما در چارچوب بررسی‌ها قطعاً می‌توانیم مشکلات موجود بخش تجارت خارجی را مشخص نماییم. بدیهی است استراتژی‌های آتی و خط‌مشی‌های لازم جهت تحقق اهداف بخش تجارت خارجی می‌تواند با لحاظ این مشکلات و پیشنهادهای ارائه شده در این تحقیق از کارایی بیشتری برخوردار شود.

از جمله خصوصیات کشورهای در حال توسعه وابستگی شدیدی است که به کشورهای پیشرفته دارند. اکثر صادرات کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته انجام می‌شود و اکثر واردات آنها نیز از کشورهای پیشرفته تأمین می‌شود.

خصوصیت دیگر تجارت این کشورها این است که کالاهای صادراتی آنها عمدتاً مواد اولیه و محصولاتمانند: کالاهای کشاورزی، مواد خام و سوخت را شامل می‌شود. کالاهای صنعتی صادر شده توسط این کشورها عمدتاً کاربر بوده و از سطح تکنولوژی پایینی برخوردار است و اساساً ارزش محصولات صنعتی تولید شده به وسیله کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای پیشرفته بسیار ناچیز است.

به لحاظ ویژگی‌های فوق حجم صادرات کشورهای در حال توسعه ناچیز می‌باشد، البته تعدادی از کشورهای تازه صنعتی شده از قبیل کره جنوبی و هنگ کنگ از چنین توفیقی برخوردار بوده‌اند. به علاوه نقش کشورهای در حال توسعه به عنوان تولیدکنندگان محصولات اولیه باعث گردیده که صادرات آنها بی‌ثبات و رابطه مبادله به ضرر آنها تغییر نماید و همچنین از درآمد صادراتی بی‌ثبات و نازلی برخوردار گردند. این کشورها جهت رفع مشکلات موجود در بخش تجارت بین‌المللی و تثبیت قیمت کالاها و درآمد صادراتی می‌توانند روش‌هایی را اتخاذ نمایند. از جمله این روش‌ها کنترل صادرات، ذخیره اتکایی، قراردادهای چند منظوره و موافقت کالایی را می‌توان نام برد.

علاوه بر تلاش‌هایی که برای تثبیت قیمت کالاها و درآمد صادراتی از طریق روش‌های فوق‌الذکر انجام می‌شود، استراتژی جایگزینی واردات (Import Substitution) و تشویق صادرات (Export)(Promotion) نیز به وسیله کشورهای در حال توسعه مورد استفاده واقع می‌شود. همچنین این کشورها سعی می‌کنند تا امتیازاتی را از کشورهای پیشرفته کسب نمایند. عنوان جانشینی واردات به طور خلاصه به عنوان سیاستی تلقی می‌شود که تلاش دارد تولیدات داخلی را جانشین کالاهای وارداتی نماید و تشویق صادرات به معنای جانشین کردن صادرات کشور به جای تولیدات داخلی دیگر کشورها می‌باشد.

استراتژی جانشینی واردات به لحاظ این که دارای سابقه طولانی‌تری است، شناخته شده‌تر می‌باشد و چون اغلب کشورهای تازه به استقلال رسیده یا کشورهایی که از انقلاب آزادیبخش موفق بیرون آمده‌اند این سیاست را درپیش گرفته‌اند جاذبه سیاسی بیشتری دارد. اما به لحاظ عملکرد اقتصادی چنین نیست. البته تجربه برخی کشورها نشان داده است که طی

دوره‌هایی که این نوع سیاست را اتخاذ نموده‌اند از موفقیت بیشتری برخوردار بوده‌اند. در طول دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ استراتژی جایگزینی واردات توسط کشورهای زیادی از قبیل آرژانتین، برزیل و مکزیک اتخاذ گردید. این سیاست واردات کالاهای کارخانه‌ای را محدود و بازار داخلی را برای فعالیت تولیدکنندگان داخلی آماده ساخت. سیاست جایگزینی واردات فوایدی داشت و کشورهای آرژانتین و برزیل توانستند تغییراتی در ساختار و ماهیت تجاری خود به وجود آورند و از جمله با اتخاذ این سیاست نسبت واردات به کل تجارت‌شان را کاهش دهند.

لازم به ذکر است که سیاست جایگزینی واردات روش ساده‌ای برای صنعتی شدن نیست چرا که اولاً، وابستگی کشورهای در حال توسعه به محصولات صنعتی خارجی زیاد است و محصولات مذکور نهاده‌های مناسبی برای صنایع داخلی این کشورها هستند. ثالماً، هزینه سیاست جایگزینی واردات نیز زیاد است، چرا که صنایع داخلی را از حالت رقابت خارج می‌کند.

به دلیل مشکلاتی که اتخاذ سیاست جایگزینی واردات ایجاد می‌نمود، کشورهای در حال توسعه به مرور نسبت به پیامدهای این سیاست بدبین گردیدند و این امر موجب شد تا این کشورها به سیاست تشویق صادرات که یک استراتژی صنعتی شدن هم محسوب می‌شود روی آورند.

در مقایسه با سیاست جایگزینی واردات، تشویق صادرات سیاستی در جهت توسعه بازار است. چرا که تأکید بیشتری بر محرک‌های قیمتی و اصل رقابت جهت تخصیص منابع دارد. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند تا صنایعی را که در آن مزیت نسبی دارند تشخیص دهند و در جهت توسعه صادرات آن کالاها اقدام نمایند.

تجربه ۱۰ کشور برزیل، شیلی، کلمبیا، اندونزی، ساحل عاج، کره جنوبی، پاکستان، تایلند، تونس و اروگوئه به لحاظ نوع استراتژی تجاری و میزان رشد اقتصادی آنها در طی دوره‌های متعددی در جدول شماره ۱ آمده است.

در کشور برزیل طی دوره (۱۹۵۵-۱۹۶۰) و (۱۹۶۰-۱۹۶۵) سیاست جایگزینی واردات اعمال گردید و نرخ رشد متوسط سالانه اقتصادی از ۶/۹ درصد به ۴/۲ درصد کاهش یافت. ولی در دوره (۱۹۶۵-۱۹۷۰) و دوره (۱۹۷۰-۱۹۷۶) اتخاذ سیاست تشویق صادرات موجب افزایش چشمگیر صادرات شده و رشد اقتصادی رانیز از رقم ۷/۶ درصد به ۱۰/۶ درصد افزایش داد. در مورد سایر کشورها نیز چنانچه ملاحظه می‌شود، در هر دوره‌ای که سیاست تشویق صادرات اعمال گردید، رشد اقتصادی بالاتری حاصل شده است. البته در برخی

دوره‌ها سیاست جایگزینی واردات معتدل (Moderate Import Substitution) اعمال می‌شده است. به طور نمونه در دوره (۱۹۶۵-۱۹۷۳) در اندونزی، دوره (۱۹۸۰-۱۹۷۰) و (۱۹۷۰-۱۹۷۶) در تایلند و در دوره (۱۹۷۰-۱۹۷۶) در تونس سیاست جایگزینی واردات معتدل اعمال گردید. که نتایج این نوع سیاست نسبت به جایگزینی واردات مناسب‌تر بوده و رشد اقتصادی بالاتری را نسبت به سیاست جایگزینی واردات فراهم نموده است. اما به طور کلی تجربه کشورها حاکی از توفیق بیشتر سیاست تشویق صادرات و در رتبه دوم سیاست جایگزینی واردات معتدل است.^۱

مروری بر وضعیت اخیر بازرگانی خارجی کشورهای در حال توسعه نیز حاکی از به کارگیری ابزارهای سیاستی متفاوتی است که در مدیریت بخش تجاری‌شان به کار گرفته‌اند. این موارد شامل مشوق‌ها یا سوبسیدهایی است برای تشویق صادرات، کنترل واردات از طریق موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، محدودیت ورود و عمل نهادهای مالی خارجی، تنظیم کنترل ارز و محدودیت ورود و خروج وجوه می‌باشد. اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای آسیا و اقیانوسیه هستند؛ از اواسط دهه ۱۹۸۰ به آزادسازی تجاری، سرمایه‌گذاری و جریان‌های مالی روی آورده‌اند.

اکثر کشورهای آسیای شرق و جنوب شرقی اصلاح تعرفه‌ها را در دهه ۱۹۸۰ به اجرا گذاشتند. در اندونزی بیش از ۹۵ درصد از اقلام تعرفه‌ای محدودیت مقداری ندارند. متوسط نرخ‌های تعرفه مالزی کمتر از ۱۰ درصد است و جمهوری کره کمتر از ۸ درصد. تایلند نرخ‌های فزاینده تعرفه را به سه نرخ استاندارد شده ۵، ۱۰ و ۲۰ درصد تقلیل داده است. (در سال ۱۹۹۷)، چین نیز متوسط نرخ تعرفه را از ۲۳ درصد به ۱۷ درصد کاهش داد. به علاوه آزادسازی را در چارچوب فعالیت‌های ASEAN، APEC، WTO به حرکت درآورده است.

کشورهای آسیای جنوبی عموماً روند آزادسازی تجاری‌شان را در دهه ۱۹۹۰ تسریع نمودند. برای مثال هند تغییرات عمده‌ای را در ساختار تعرفه و چارچوب تجارت خارجی‌اش، آغاز نموده است. با این اقدامات حداکثر نرخ تعرفه واردات را از ۱۵۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش داد. شواهد حاکی از آن است که هند تحریم واردات تعداد زیادی از کالاها را تا ۵ سال آینده حذف خواهد نمود. پاکستان نیز حداکثر نرخ تعرفه را از ۹۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش داد. به طور مشابه در سال ۱۹۹۷ بنگلادش نیز حداکثر نرخ تعرفه‌اش را به ۴۵ درصد کاهش داده؛ در حالی که نرخ

1. Carbaugh, "International Economics," 1992.

مذکور در سال ۱۹۹۰ بیش از ۱۰۰ درصد بود.

جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز آزادسازی تجاری و برخی اصلاحات اساسی را انجام داده‌اند. ارمنستان در دسامبر ۱۹۹۵ ساختار تعرفه‌ای با ۵ کالای تحریم شده را به سیستمی مشتمل بر تحریم دو کالا با نرخ‌های صفر و ۱۰ درصد تغییر داد. در قزاقستان تا ژانویه سال ۱۹۹۷ نرخ متوسط عوارض گمرکی واردات به ۱۲ درصد کاهش یافته بود. در قرقیزستان تعرفه واردات بر کالاهای خارج از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به نرخ واحد ۱۰ درصد وضع می‌شود. تاجیکستان نیز اخیراً ساختار تعرفه وارداتی خود را با نرخ‌هایی از صفر تا ۲۵ درصد مرتب نموده است.^۱

بنابراین مدتی است که روند آزادسازی تجاری در کشورهای آسیای آغاز گردیده و همان طور که مطرح گردید، کشورهای متعددی به این جریان پیوسته‌اند. در این میان جمهوری اسلامی ایران از وضعیت خاصی برخوردار است. ۸ سال جنگ تحمیلی و سپس برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله مواردی است که به پایان رسیده و چهارمین سال از برنامه دوم نیز روبه پایان است. بدیهی است در فضایی که اقتصاد جهانی آزادسازی تجاری را در پیش گرفته و هم‌زمان در اقتصاد داخلی با کاهش درآمدهای نفتی مواجه هستیم، توسعه صادرات غیرنفتی ضرورتی انکارناپذیر است و در این راستا تنظیم استراتژی‌ها و سیاست‌های مناسب تجارت خارجی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. گزارش حاضر کمکی است به اتخاذ چنین تصمیماتی. در این گزارش تجربه برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در حد اطلاعات موجود و فرصت محدود به تصویر کشیده‌ایم. اهداف، خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، عملکرد دو برنامه و تحلیل آن و در نهایت ارائه پیشنهادها از جمله مواردی است که در این گزارش به آن می‌پردازیم.

۳- استراتژی تجاری در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اهداف کلی خود را در ۱۰ بند ارائه نمود. بند چهارم از اهداف مذکور بر «ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم» توجه داشته است. این بخش از هدف‌های کلی در واقع

1. Economic and Social Survey of Asia and the Pacific, United Nations, New York, 1998, pp. 77-78.

بیشترین ارتباط را با بخش تجارت خارجی کشور دارد. از این رو مروری بر خط مشی های تجاری ارائه شده برای تحقق هدف فوق که در برنامه اول آمده است، می تواند جهت گیری تجاری اقتصاد کشور را در طی برنامه اول روشن نماید.

هدف های کیفی که در زمینه صادرات در این برنامه در نظر گرفته شده است را می توان به

شرح زیر ارائه نمود:

- کمک به تقویت بنیه اقتصادی کشور؛
 - کمک به افزایش ارزش افزوده کالاهای صادراتی؛
 - کمک به بهبود کیفیت کالاهای صادراتی؛
 - کمک به نوسازی صنایع کشور؛
 - کمک به توسعه صادرات صنعتی.
- در خصوص واردات نیز اهداف کیفی زیر مدنظر قرار گرفت:
- اصلاح ترکیب و ساختار واردات در راستای تحقق اهداف برنامه؛
 - تأمین به موقع نیازهای وارداتی کشور در راستای اهداف برنامه؛
 - بهبود رابطه مبادله تجارت خارجی کشور؛
 - تلاش در جهت ایجاد توازن مطلوب تر در تراز بازرگانی خارجی کشور؛
 - اصلاح مقررات عمومی صادرات و واردات و بهبود روش های کنترل و اجرا^۱.
- خط و مشی های حصول به این اهداف در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را می توان به دو بخش تقسیم نمود. بخش اول خط و مشی های مربوط به اهداف صادراتی و بخش دوم خط و مشی های مربوط به اهداف وارداتی. در ذیل مروری خواهیم داشت بر خط و مشی های صادراتی مندرج در متن برنامه اول:
- حرکت در جهت به کارگیری عواید حاصل از صادرات نفت و دیگر کانی ها در سرمایه گذاری، انتقال تکنولوژی و ارتقای علمی و فنی کشور؛
 - افزایش صادرات بخش صنایع، معادن و کشاورزی از طریق استفاده حداکثر از ظرفیت های موجود و انجام سرمایه گذاری تکمیلی؛
 - رشد تولیدات سرمایه ای و واسطه ای اقتصاد و توسعه تحقیقات و تکنولوژی در جهت جایگزینی واردات با اولویت استفاده حداکثر از ظرفیت های موجود؛
 - برداشتن کلیه موانع و ایجاد همه گونه تسهیلات برای توسعه صادرات کالاهای صنعتی براساس مزیت های کشور، از جمله ایجاد مناطق صنعتی آزاد جهت استقرار صنایع

۱. سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، بخش هشتم، صفحات ۱۳-۱۶.

تولیدکننده محصولات صادراتی و جذب سرمایه در این صنایع؛

- تجدید نظر در روش قیمت گذاری محصولات تولیدی، صادراتی و وارداتی به نحوی که از تولید و صادرات حمایت گردد.^۱

همچنین در این برنامه تدابیر دیگری نیز برای تشویق صادرات پیش بینی شده بود که از جمله تدابیر مذکور می توان موارد زیر را برشمرد:

۱- ایجاد امکانات و تسهیلات صادراتی، اعم از گمرکی، بانک، دفتر استاندارد و... در استان های مرزی.

۲- ایجاد صندوق ضمانتی که وابسته به مرکز توسعه صادرات باشد.

۳- ایجاد چهارپایانه جدید صادراتی در مبادی خروجی کالا (مهرآباد، جنوب تهران، بازرگان و بندرعباس).

۴- ایجاد تسهیلات مالی ارزان با نرخ کارمزد پایین به تولیدکنندگان جهت تهیه، تولید و صدور کالاهای صادراتی.^۲

۵- درصد معینی از تولیدات کالاهای غیرضروری صنعتی که ارز حاصل از صدور آن بیشتر از هزینه های ارزی مستقیم و غیرمستقیم برای تولید آنهاست با توجه به ضوابط برای صادرات اختصاص خواهد یافت ولو آن که کل تولیدات در داخل قابل مصرف باشد.

همچنین در تبصره ۱۸ قانون برنامه اول مقرر گردید که «به منظور توسعه و تشویق صادرات کالاهای ساخته شده داخلی، ورود مواد اولیه، قطعات و تجهیزات و اقلام لوکس مورد نیاز برای تولید کالاهای صادراتی، از مقررات مربوط به اخذ گواهی عدم ساخت و همچنین از بررسی قیمت توسط مراکز تهیه و توزیع ذی ربط معاف خواهند بود. در تبصره ۱۹ نیز به دولت اجازه داده شد که حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری - صنعتی تأسیس نماید. در تبصره ۲۹ بند «ب» نیز دولت مکلف گردید که به عنوان تنخواه گردان صادراتی تسهیلات ارزی لازم برای تشویق و حمایت صادرات کالاهای غیرنفتی و منحصراً برای واردات مواد اولیه و کمکی و قطعات و لوازم بسته بندی و سایر وسایل و لوازم جهت تولید و صدور کالاهای غیرنفتی و همچنین صدور ضمانت نامه های صادراتی و خدمات فنی خارج از کشور پس از دریافت تضمین مبنی بر برگشت ارز اعطایی متناسب با اهداف صادراتی برنامه، در اختیار صادرکنندگان قرار دهد.^۳

سایر سیاست های پیش بینی شده در برنامه در خصوص تشویق صادرات عبارت بودند از:

۱ سازمان برنامه و بودجه. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۷۶.

۲ همان صفحات ۱۵ و ۱۸.

۳ سازمان برنامه و بودجه. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۱۵-۱۸.

- با توجه به نقش حیاتی توسعه صادرات غیرنفتی در ایجاد منابع جدید ارزی ضروری است جهت حفظ و ایجاد ثبات بیشتر در بهبود روند توسعه صادرات غیرنفتی سیاست‌ها و مقررات لازم در جهت تضمین سود متناسب صادرکنندگان اتخاذ گردد. تا از این طریق امکان ایجاد رقابت در بازارهای بین‌المللی برای کالاهای داخلی وجود داشته باشد. دولت تسهیلات لازم برای صادرات کالاهای کشاورزی از قبیل اطلاعات مربوط به بازرگانی، اطلاعات فنی و ارائه اعتبار رابرای کشاورزان فراهم خواهد ساخت.

- برای جلوگیری از قاچاق کالا در نقاط مرزی طبق ضوابط و مقررات به هموطنان مرزنشین اجازه صادرات و واردات کالاهای مجاز از طریق مناطق مرزی به خصوص مناطق جنوبی و شرقی کشور فراهم خواهد شد.

- شرکت‌های بیمه دولتی به منظور کمک به رشد صادرات غیرنفتی، کلیه کالاهای صادراتی را با شرایط آسان در مقابل خطرات احتمالی حمل و نقل، سرقت، مفقودشدن و غیره، بیمه خواهند کرد.

در خصوص واردات نیز خط‌مشی‌ها و سیاست‌هایی در برنامه اول لحاظ گردید که می‌توانیم فهرست‌وار به موارد زیر اشاره نماییم:

۱- در بازرگانی خارجی جهت حمایت از تولیدات صنایع داخلی به خصوص صنایع ماشین‌سازی و واسطه‌ای و برای تسریع در ایجاد یک ساخت صنعتی غیروابسته ضمن جلوگیری تدریجی از ورود کالاهای صنعتی مصرفی به کشور هم‌زمان با رشد صنایع مادر و بنیادی بخشودگی‌های حقوق‌گمرکی و سود بازرگانی کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در طول برنامه به تدریج لغو می‌گردد. لغو بخشودگی‌ها شامل کالاهای واسطه‌ای مربوط به کشاورزی و تکنولوژی‌های پیچیده که در افق برنامه اول قابل دسترسی نیستند، نخواهد بود. وضع سود بازرگانی در صورت لزوم اعمال محدودیت‌های وارداتی بر کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و توسعه صنایع واسطه‌ای و ماشین‌سازی مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

۲- واردات کالاهای دارای مصرف زیاد و استراتژیک توسط مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی به طور انحصاری انجام گیرد.

۳- شرایط و ضوابط مشارکت بخش غیردولتی در امر واردات کالا با توجه به عدم واگذاری حق انحصار به فرد یا اشخاص حقیقی خاص، معین گردد.

۴- واحدهای تولیدی خودشان این امکان را بیابند که رأساً اقدام به ورود کالا بنمایند.

۵- به منظور حذف واسطه‌های غیر ضرور، نیازهای وارداتی مستقیماً از کشورهای تولیدکننده

تأمین شود.

۶- در جهت حمایت از محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی داخلی کالاهای وارداتی به نحوی قیمت‌گذاری می‌شوند که ضمن حفظ استانداردهای موردنظر در کیفیت کالاها در مواردی که قیمت کالاهای وارداتی کمتر از قیمت تولیدات داخلی باشد ما به التفاوت قیمت‌های داخلی و قیمت‌های وارداتی دریافت گردد.^۱

چنانچه ملاحظه می‌شود اهداف و خط و مشی‌های تجاری برنامه اول حاکی از آن است که استراتژی تجاری ناظر بر این برنامه تلفیقی نامعین از جایگزینی واردات و توسعه صادرات است که در مورد جایگزینی واردات اساساً به حمایت متزلزل از تولیدات داخلی محدود می‌گردد. در مورد توسعه صادرات، برنامه هدف‌های غیرواقعی‌بینانه‌ای را برای صادرات غیرنفتی (برای کل دوره حدود ۱۷/۸ میلیارد دلار) پیش‌بینی کرد.

۴- استراتژی تجاری در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۴-۱۳۷۸) به عنوان یکی از اهداف کیفی برنامه چنین مطرح گردیده است:

«تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه بیش از پیش صادرات غیرنفتی»، در راستای تحقق این هدف کلی خط مشی‌هایی ارائه شده، که نشان دهنده گرایش برنامه به سمت استراتژی توسعه برون‌گراست. تعدادی از خط مشی‌های مذکور عبارتند از:

- ۱- تعیین حدود و میزان فعالیت‌های هر یک از بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در صادرات؛
- ۲- اصلاح قانون صادرات و واردات و اتخاذ سیاست‌های ارزی و تعرفه‌ای مناسب برای ثبات سیاست‌ها و تشویق صادرات؛
- ۳- حمایت از سرمایه‌گذاری در جهت افزایش ارزش افزوده صنایع تبدیلی کشاورزی و معدنی و صنعتی و حمایت از صادرکنندگان با فراهم نمودن تسهیلات و ارائه خدمات و اطلاعات مورد نیاز؛
- ۴- تقویت بانک توسعه صادرات در جهت کمک به صادرکنندگان؛

^۱ سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

- ۵- اتخاذ سیاست‌های اعتباری و مالیاتی مناسب جهت صادرات؛
- ۶- نظارت و ارزیابی مستمر بر امور صادرات غیر نفتی؛
- ۷- اختصاص سهمی از تولیدات به صادرات؛
- ۸- استفاده از مواد اولیه مرغوب در کالاهای صادراتی؛
- ۹- استفاده از بسته بندی‌های مطلوب برای صادرات؛
- ۱۰- انطباق استانداردها با سلیقه کشورهای واردکننده؛
- ۱۱- مبارزه با صادرات قاچاق از طریق کنترل مبادی ورودی و خروجی و مرزها؛
- ۱۲- توسعه مبادلات تهاتری غیرنفتی؛
- ۱۳- تشکیل و تقویت اتحادیه‌ها و تعاونی‌های صادراتی؛
- ۱۴- استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات و صادرات مجدد؛
- ۱۵- منسجم نمودن تشکیلات موجود در امور صادرات؛
- ۱۶- فعال کردن دفاتر نمایندگی‌های خارج از کشور و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران برای صادرات؛
- ۱۷- استفاده از وسایل ارتباط جمعی کشورهای خارجی برای بازاریابی و تبلیغات؛
- ۱۸- بازمبانی شرح وظایف سازمان‌های مرتبط با صادرات و حذف اقدامات موازی و کاهش بورکراسی دست و پاگیر؛
- ۱۹- فعال کردن اشخاص حقیقی و حقوقی در امر تجارت خارجی تحت نظارت دولت در محدوده قانون صادرات و واردات و جلوگیری از ایجاد انحصار در امر واردات؛
- ۲۰- ایجاد تسهیلات لازم برای صدور ضمانت نامه‌های ارزی جهت شرکت‌های داخلی که در مناقصه‌های داخلی برنده می‌گردند؛
- ۲۱- ایجاد تسهیلات لازم جهت خروج موقت ماشین آلات و سایر تجهیزات و لوازمی که برای انجام پروژه‌های عمرانی توسط پیمانکاران داخلی در کشورهای خارجی مورد نیاز است؛
- ۲۲- برقراری مشوق‌های صادراتی در صورت لزوم؛
- ۲۳- عودت حقوق و عوارض گمرکی صادراتی؛
- ۲۴- تقویت صندوق ضمانت صادرات و ایجاد سیستم بیمه صادراتی؛
- ۲۵- کمک به بازاریابی برای کالاهای تولید داخلی از طریق برگزاری نمایشگاه‌ها، بازار، بورس، کالاهای صادراتی؛
- ۲۶- اعمال پشتیبانی‌های سیاسی و دیپلماتیک؛

۲۷- تدوین مقرراتی که براساس آن صادرکنندگان بتوانند کالاهای صادراتی خود را با برچسب و عنوان خود یا برچسب و علائم درخواستی خریدار صادر نموده و از خدشه دار شدن اعتبار کالاهای صادراتی جلوگیری نمایند؛

۲۸- بازرنگری در تشکیلات بازرگانی کشور و تشکیل شورای عالی صادرات به منظور ارائه پیشنهادهاى لازم جهت هماهنگی، تشویق و توسعه صادرات و تمرکز امور بازرگانی در نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور؛

۲۹- شناسایی بازارهای جدید (کالایی - مکانی) برای توسعه صادرات کنونی و تبدیل پتانسیل‌های بالقوه به عملکرد بالفعل در این بازارها.

چنانچه در متن قانون برنامه آمده است، بیشتر خط مشی‌های مطرح شده مرتبط با صادرات می‌باشد و در خصوص واردات تنها مقرر گردید که از تبلیغات گمراه کننده در مورد کالاهای وارداتی جلوگیری شود، به علاوه واردکنندگان کالا به ارائه خدمات بعد از فروش (در مورد کالاهای با دوام) و به آموزش و انتقال تکنولوژی ملزم شوند. البته در بخش دیگری از قانون برنامه دوم که تحت عنوان سیاست‌های کلی بخش تجاری آورده شده است، خط مشی‌هایی به شرح زیر جهت اصلاح نظام تجارت خارجی کشور مطرح گردیده است:

۱- نظام ارزی کشور به صورت نظام شناور مدیریت شده خواهد بود و در آن به موارد زیر توجه خواهد شد:

الف - یکسان بودن نرخ ارز.

ب- قابلیت تبدیل پول رایج کشور به اسعار خارجی براساس نرخ شناور.

۲- روش‌های دست و پاگیر گمرکی و مراحل اداری غیرضروری حذف و مراحل ترخیص کالا جهت صادرات و واردات حتی الامکان ساده خواهد شد. بر این اساس تنها محدودیت‌های گمرکی که جنبه کنترل کیفی و قرنطینه‌ای (نظیر کنترل کیفی داروهای درمانی و بهداشتی یا بذر و نهال کشاورزی یا قرنطینه دام در هنگام ورود کالا به کشور) دارد، باقی خواهد ماند و کنترل‌های مربوط به نوع کالا محدود به کالاهای ممنوعه از جنبه‌های شرعی و قانونی خواهد گردید.

۳- به کارگیری روش‌های مرسوم تجارت جهت تنظیم روابط بازرگانی خارجی به منظور گرفتن امتیازات خاص و مقابله با محدودیت‌هایی که سایر کشورها اعمال می‌نمایند.

۴- تسهیل در شرایط ورود و خروج به حرفه تجارت برای افراد غلاقه‌مند و جلوگیری از انحصار.

۵- تعرفه‌های گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان

داخلی و بروز مزیت‌های نسبی برای گروه‌های کالا تدوین شود. به نحوی که درک آنها برای صادرکننده، واردکننده و مأمور گمرک ساده باشد. این حمایت‌ها روندی منطقی و متناسب با شرایط جهانی خواهد داشت تا براساس روند تغییرات تعرفه در سطح بین‌المللی امکان ایجاد شرایط رقابت بین‌المللی و به‌کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید. در مورد تعرفه‌ها و روش‌های گمرکی موارد زیر مورد نظر خواهد بود:

الف- دریافت‌های دولت ناشی از ورود و صدور کالا از قبیل: عوارض گمرکی، سود بازرگانی، حق‌الثبت سفارش و غیره، به صورت یکجا و متمرکز صورت خواهد گرفت.

ب- اعمال مقررات ضد دامپینگ از طریق برخورد تعرفه‌ای یا غیرتعرفه‌ای با اقدامات نامطلوب تجاری کشور طرف مبادلات تجاری.

ج- حرکت در جهت حذف معافیت‌های خاص تعرفه‌ای و جایگزین نمودن اعتبارات لازم برای آن دسته از دستگاه‌های اجرایی که امکان تأمین هزینه‌های فوق‌الذکر را از محل عرضه کالاها و خدمات خود ندارند.

د- ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش روزافزون تبادل الکترونیکی اطلاعات براساس پیشرفت‌های حاصل شده در جهان.

۶- عضویت در سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به منظور کسب منافع بیشتر در امور تجاری با دنیای خارج.

۷- تلاش در جهت ایجاد توازن و هماهنگی بین روابط اقتصادی و روابط سیاسی کشور ما با دیگر کشورها و استفاده مطلوب از اهرم روابط اقتصادی در روابط سیاسی با کشورها. در بخش‌های دیگری از برنامه و در ذیل برخی از اهداف کیفی ارائه شده؛ خط‌مشی‌هایی مشاهده می‌شود که در ارتباط مستقیم با بخش تجارت خارجی کشور است. از جمله این موارد می‌توان به خط‌مشی‌های زیر اشاره نمود:

۱- تأکید بر ساخت و تولید داخلی در کلیه زمینه‌ها و مشروط بودن هر نوع قرارداد با خارج به عدم امکان ساخت در داخل و به صورت مشارکت.

۲- حمایت جدی از فعالیت‌های بخش خصوصی جهت گسترش صادرات غیرنفتی و ایجاد زمینه‌های لازم برای رابطه و حضور در کشورهای دیگر.

۳- تلاش در جهت ایجاد توازن تجاری با کشورهای دیگر.^۱

۱. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، صفحات ۱۳-۳۶.

۵- عملکرد بخش بازرگانی خارجی در دوره (۱۳۵۷-۱۳۶۶)

۵-۱- صادرات

سهم صادرات در محصول ناخالص داخلی کشور از ۰/۸ درصد در سال ۱۳۵۷ به کمتر از ۰/۳ درصد در سال ۱۳۶۴ رسیده و در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ نیز از ۰/۴ درصد تجاوز نکرده است. ارزش صادرات کشور از ۳۸/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۷۷/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ بالغ شده است.

صادرات سرانه کشور در طول دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۶ به طور متوسط سالانه ۱۳ دلار (حداقل ۷ و حداکثر ۲۲ دلار) بوده است. سهم صادرات در تأمین نیازهای وارداتی کشور طی دوره ده‌ساله فوق حداقل ۲ درصد (۱۳۶۲) و حداکثر ۱۰ درصد (۱۳۶۵) و به طور متوسط در سال ۵ درصد بوده است.

ساختار کالایی صادرات کشور نیز طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۵۷-۱۳۶۶ تغییر کرده است. به طوری که در سال ۱۳۵۷ حدود ۵۵ درصد ارزش صادرات و مواد اولیه و واسطه، ۵ درصد را کالاهای سرمایه‌ای و ۴۰ درصد بقیه را کالاهای مصرفی تشکیل می‌داد، در حالی که در سال ۱۳۶۴ سهم کالاهای سرمایه‌ای در ارزش کل صادرات حدود ۰/۱ درصد، در سال ۱۳۶۵ تنها ۰/۴ درصد و در سال ۱۳۶۹ ناچیز و قابل اغماض بوده است.

ترکیب صادرات ایران از نظر بخشی طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۶۶ نشان می‌دهد که به طور متوسط سالانه ۵۰ درصد ارزش صادرات غیر نفتی ایران را کالاهای کشاورزی، ۱۰ درصد آن را کالاهای صنعتی و ۱۴ درصد را مواد معدنی و ۲۶ درصد باقی مانده را فرش و مصنوعات دستی تشکیل داده است. در ترکیب کل صادرات غیر نفتی کشور در سال پایانی این دوره (۱۳۶۶) کشاورزی ۴۳ درصد، صنعت ۱۰ درصد، معدن ۲ درصد و فرش و مصنوعات دستی ۴۵ درصد را تشکیل می‌داده است.

مقایسه ارزش افزوده بخش‌های تولیدی اقتصاد کشور با صادرات محصولات این بخش‌ها بیانگر ضعف بنیانی صادرات کشور است. سهم صادرات فراورده‌های کشاورزی در ارزش افزوده این بخش از رقم ۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۷ به کمتر از ۱ درصد در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴ تنزل یافته و در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ از ۰/۸ درصد فراتر نرفت.

سهم صادرات کانی‌ها و فراورده‌های معدنی در ارزش افزوده این بخش طی دوره ۱۰ ساله گذشته به طور متوسط ۱/۲ درصد بوده و حداکثر از ۲/۱ درصد (۱۳۵۸) تجاوز نکرد. بخش صنعت از نقطه نظر توان صادراتی، ضعیف‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است در

حالی که حضور در بازارهای جهانی بیشتر با صدور کالاهای صنعتی معنی دار و توجیه پذیر است تا با صدور مواد خام و اولیه. سهم صادرات کالاهای صنعتی در ارزش افزوده بخش صنعت از ۶/۴ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۲/۴ درصد در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۲ سقوط کرد و در پایین‌ترین سطح خود ۰/۸ درصد بوده است (۱۳۶۱). در صورتی که فقط صادرات کالاهای صنعتی در بخش صنایع کارخانه‌ای (بدون فرش و مصنوعات دستی) مورد توجه باشد، نسبت فوق در سال ۱۳۵۷ به ۳/۱ درصد و در سال ۱۳۶۵ با جهشی بیش از ۵ برابر، نسبت به سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۳ به ۱/۱ درصد افزایش پیدا کرد.

ارقام وزنی صادرات کالا نشان می‌دهد که در ۱۰ ساله اولیه بعد از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۶۶) به طور متوسط هر سال ۴۶۰ هزار تن کالا صادر شده که ۴۰ درصد آن را مواد معدنی، ۴۰ درصد را کالاهای کشاورزی و ۲۰ درصد را کالاهای صنعتی (شامل فرش با سهم ۲ درصد) تشکیل داده است. وزن کل صادرات کشور در پایین‌ترین سطح ملی در دوره ۱۰ ساله مذکور برابر با ۱۲۹ هزار تن (۱۳۵۹) و در بالاترین سطح معادل ۱۱۵۴ هزار تن (۱۳۶۶) بوده است. میزان صادرات کالاهای کشاورزی در بالاترین سطح (۱۳۶۶) در حدود ۴۱۲ هزار تن، کالاهای صنعتی ۳۶۹ هزار تن (۱۳۵۷)، مواد معدنی ۳۵۸ هزار تن (۱۳۶۶) و فرش و مصنوعات دستی ۱۲ هزار تن (۱۳۶۶) بوده است.

توزیع جغرافیایی صادرات کشور طی دوره ۱۰ ساله گذشته دستخوش دگرگونی محسوسی شده است. سهم کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در ارزش کل صادرات ایران از ۲۶ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۴۷ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. سهم کشورهای بلوک شرق از صادرات کشور روند نزولی داشته و از ۲۰/۵ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۷/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ تنزل یافت. توسعه همکاری‌های بازرگانی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) سبب شد که سهم دو کشور ترکیه و پاکستان از صادرات ایران از ۰/۶ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۵/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یابد.

طی دوره ۱۰ ساله (۱۳۵۷-۱۳۶۶) به طور کلی حدود ۱۸/۲ درصد از صادرات کشور به صورت تهاتری و ۸۱/۷ درصد آن به صورت آزاد انجام گرفت.

به طور کلی عملکرد ۱۰ ساله (۱۳۵۷-۱۳۶۶) نشان می‌دهد که صادرات غیر نفتی کشور متناسب با نیازهای اقتصادی کشور توسعه نیافته و همچنان متکی به محصولات و کالاهایی بوده که به طور صنعتی و طی قرون گذشته دارای بازارهای معین و به نسبت مطمئن در صحنه جهانی بوده است. بخش صنعت کشور به رغم گذشت بیش از نیم قرن از پایه گذاری آن و با

توجه به استهلاک بخش قابل توجهی از ماشین آلات و تجهیزات مربوطه طی دوره مذکور قادر به نفوذی قابل استمرار در بازارهای جهانی نبوده است.

۵-۲- واردات

سهم واردات در محصول ناخالص داخلی کشور از ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۵۸ رسید و از آن پس با افزایش تدریجی به ۱۳/۲ درصد در سال ۱۳۶۰ رسید. این نسبت در سال ۱۳۶۱ به ۹/۴ درصد کاهش یافت و در سال ۱۳۶۲ که بالاترین رقم واردات کشور را در دوره ۱۰ ساله اولیه پس از انقلاب داشت به ۱۱/۷ درصد رسید. سهم واردات در محصول ناخالص داخلی کشور از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ به طور مستمر در حال کاهش بوده و به ۴/۶ درصد در سال ۱۳۶۶ رسید.

از لحاظ ترکیب کالاهای وارداتی، بیشترین سهم واردات کشور طی دوره ۱۳۵۶-۱۳۶۶ به کالاهای واسطه‌ای اختصاص داشت که از ۶۱ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۶۹ درصد در سال ۱۳۶۶ افزایش یافته در همین زمینه، سهم کالاهای سرمایه‌ای به طور متوسط طی دوره مذکور ۱۴ درصد بوده است.

طی دوره ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۶ کشور آلمان غربی همواره عمده‌ترین صادر کننده کالا به کشور ایران بوده و سهم این کشور در سال ۱۳۶۶ به ۲۰/۱ درصد کل واردات ایران افزایش یافت. پس از آلمان غربی، ژاپن و انگلستان قرار داشتند. در سال ۱۳۶۶، بلوک غرب ۶۶/۲ درصد کل واردات و بلوک شرق ۷ درصد و کشورهای جهان سوم ۲۶/۸ درصد از آن را در اختیار داشته‌اند.

از لحاظ ترکیب بخشی واردات کشور نیز در سال ۱۳۶۶، ۸۹ درصد واردات متعلق به بخش دولتی بوده، ۹/۹ درصد توسط بخش خصوصی و ۱/۱ درصد باقی مانده نیز توسط بخش تعاونی انجام گرفته است.

۶- سیاست‌های تجاری در برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

در سال ۱۳۶۸، سیاست تجاری کشور با تغییرات عمده‌ای همراه بود. از اواسط این سال به منظور راه اندازی و استفاده از ظرفیت خالی واحدهای تولیدی، طرح جدید ارزی به صورت فروش ارز به نرخ ترجیحی - رقابتی جهت واردات مواد اولیه و قطعات یدکی واحدهای

۱. بیست و نهمین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۶۹، صفحات ۸۱-۸۲، ۸۳-۸۴.

تولیدی به اجرا درآمد. در ضمن مقرر گردید که استفاده کنندگان از ارز رقابتی بتوانند فقط با پرداخت معادل ریالی ۲۵ درصد ارز مورد نیاز با دریافت تسهیلات اعتباری به میزان ۷۵ درصد نسبت به واردات اقدام نمایند. به علاوه نرخ فروش ارز ترجیحی - رقابتی که در ابتدای شروع طرح هر دلار معادل ۱۰۰۰ ریال اعلام گردیده بود، بعد از چند روز به هر دلار معادل ۹۷۵ ریال تقلیل یافت و سپس نرخ مذکور معادل ۸۰۰ ریال به ازای هر دلار تثبیت گردید. در این سال در ادامه سیاست واردات کالا بدون انتقال ارز و حرکت در جهت آزادسازی تجارت خارجی، ورود اقلام دیگری از کالا، به صورت بدون انتقال ارز آزاد اعلام گردید. به علاوه مقرر شد که واردات کالاهای بدون انتقال ارز برای مبالغ بیش از ۱۰ هزار دلار از طریق سیستم بانکی کشور به صورت گشایش اعتبار اسنادی یا بروات وصولی انجام گیرد و بانکها نیز به اعطای اعتبار به میزان ۳۵ درصد وجه اعتبار به واردکنندگان این گونه کالاها مجاز گردیدند.

همچنین در این سال جهت تشویق و توسعه صادرات غیر نفتی کشور، تسهیلات بیشتری برای صادرکنندگان کالاهای مذکور در نظر گرفته شد، به طوری که اولاً، به تعداد کالاهای مشمول فهرست واردات در مقابل صادرات افزوده شد، ثانیاً، با ایجاد صندوق پشتیبانی ارزی صادرات، امکان حمایت بیشتر از صادرکنندگان فراهم گردید. ثالثاً، با حذف و تخفیف پیمان ارزی در مورد بسیاری از اقلام صنایع دستی و مواد معدنی زمینه‌های تشویق بیشتر در امر صادرات غیر نفتی فراهم شد. ولیکن از آنجایی که غالب این سیاست‌ها در ماه‌های پایانی سال مورد گزارش به مورد اجرا گذارده شده بود، اثر چندانی در افزایش صادرات در این سال نداشت.

سال ۱۳۶۹ با ادامه سیاست‌گذاری‌هایی که از تسهیل شرایط واردات بدون انتقال ارز اتخاذ شده بود، از اواخر خردادماه سال ۱۳۶۹ طرح فروش ارز جهت واردات کالاهای مذکور از طریق سیستم بانکی به مورد اجرا گذارده شد. نرخ خرید و فروش مورد عمل در این زمینه نرخی نزدیک به نرخ بازار آزاد ارز بود که همه روزه توسط بانک مرکزی اعلام می‌گردید. با این اقدام برای واردکنندگان کالاهای مشمول لیست بدون انتقال ارز این امکان فراهم شد که بتوانند ارز مورد نیاز خود را صرفاً به منظور گشایش اعتبار اسنادی از بانک‌های کشور خریداری نمایند. بدیهی است با اعلام و هدایت تقاضاهای موجود به سمت سیستم بانکی، موجبات تسهیل واردات این گونه کالاها نیز فراهم گردید. از اول بهمن ماه ۱۳۶۹ بانک مرکزی بامعرفی ارز شناور، لیست کالاهای واردات بدون انتقال ارز را نیز مشمول نرخ ارز شناور

۱. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در مجمع عمومی مورخ ۱۳۶۹-۵-۳۰، ص ۹۸-۹۹.

نمود. همچنین در تاریخ مذکور به منظور کاهش هزینه‌های تولید واحدهای تولیدی که از ارز رقابتی استفاده می‌نمودند نرخ ارز رقابتی از هر دلار معادل ۸۰۰ ریال به ۶۰۰ ریال تنزل داده شد.

در مورد تشویق صادرات از اوایل بهمن ماه سال مذکور حد مجاز اعتبار صادراتی لغو شد و مفهوم پیمان ارزی با هدف تسهیل شرایط پیمان سپاری تغییر یافت و عملاً پیمان ارزی به عنوان گواهی صدور، پایه اطلاعات و میزان ارزی که باید به کشور برگردانده شود، مفهوم پیدا نمود. در ضمن مدت لازم برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات برای فرش از ۱۴ ماه به ۱۲ ماه و برای بقیه کالاهای صادراتی از ۸ ماه به ۶ ماه تقلیل یافت. همچنین بانک مرکزی از این تاریخ با معرفی نرخ شناور ارز اعلام نمود که ارز حاصل از صادرات رابه نرخ مذکور از صادرکنندگان خریداری خواهد نمود که این امرگام بسیار مهمی در جهت تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی به شمار می‌آید. همچنین در شهریور ماه سال ۱۳۶۹، در جهت گسترش کالاهای قابل ورود با ارز صادراتی و تسهیل ضوابط انتقال واریزنامه و ارزهای صادراتی به مورد اجرا گذارده شده، به موجب این تصمیمات به کلیه صادرکنندگان و تولیدکنندگان اعم از دولتی، تعاونی یا خصوصی اجازه داده شد که مواد اولیه، قطعات و اجزای لازم برای تولید کالاهای مورد نیاز کشور یا کالاهای صادراتی و نیز ماشین آلات و تجهیزات مربوط به تکمیل، بازسازی و توسعه کارگاه تولیدی خود، برای امر صادرات را در قبال ارز حاصل از صادرات وارد نمایند.^۱

در سال ۱۳۷۰ سیاست بازرگانی خارجی ایران بر پایه گسترش زمینه‌های تجارت خارجی و با تأکید بیشتر بر بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی کشور قرارداشت. از اوایل فروردین ماه سال ۱۳۷۰ فهرست مفصلی از اقلام وارداتی که ورود آنها نیازی به دریافت گواهی عدم ساخت از طرف وزارت صنایع را نداشت اعلام گردید و همچنین اعلام شد که ورود و ترخیص کلیه کالاهای تحت پوشش وزارت صنایع سنگین که با استفاده از ارز رقابتی با ارز حاصل از صادرات یا از طریق واریزنامه به کشور وارد می‌گردد نیز تا پایان سال مذکور نیازی به دریافت مجوز نداشته باشد.

در این سال سیاست تسهیل شرایط واردات بدون انتقال ارز که با فروش ارز بانرخ شناور برای این گونه کالاها و باهدف محدود کردن بازار آزاد ارز و هدایت تقاضاهای موجود به سیستم بانکی، آغاز شده بود همچنان ادامه یافت و بانک مرکزی در شهریور ماه سال مذکور فروش ارز به نرخ شناور توسط شعب ارزی بانک‌های کشور برای کالاهایی که تحت عنوان

^۱ گزارش اقتصادی و ارزی ماه سال ۱۳۶۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در مجمع عمومی مورخ ۲۰ ۵ ۱۳۷۰

بدون انتقال ارز و از تاریخ ۱۳۷۰/۶/۱۱ به گمرکات کشور وارد شده یا می‌شوند را تحت ضوابط خاصی بلامانع اعلام نمود. از اوایل آبان ماه ۱۳۷۰ در تعقیب سیاست‌های متخذه در مورد معاملات ارز با نرخ شناور و قابل تبدیل نمودن ریال به ارزهای خارجی، بانک مرکزی دستور العمل واردات کالا با نرخ شناور و همچنین با ریال را ابلاغ نمود. در این رابطه الزام دریافت ۶۵ درصد مبلغ ثبت سفارش به ارز در هنگام ثبت سفارش حذف شد و بانک‌ها مجاز گردیدند که با رعایت مجوزهای مربوط و تمهیدات لازم و با مسئولیت خود (بین صفر تا ۱۰۰ درصد) مبلغ ثبت سفارش را در ابتدای امر به صورت ریال دریافت نمایند.

سیاست‌های مبتنی بر خرید ارز حاصل از صادرات به نرخ شناور و سیاست‌های تکمیلی در مورد گسترش صادرات باعث گردید که صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۰ به رقم ۲/۶ میلیارد دلار بالغ گردد. در این سال علی‌رغم رشد سریع واردات بر سهم صادرات غیرنفتی در کل مبادلات غیر نفتی کشور افزوده شد و سهم مذکور از ۷/۸ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۰ رسید.^۱

از اوایل سال ۱۳۷۱ در راستای سیاست‌های تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی و به منظور برقراری تعادل در بازرگانی خارجی، سیاست واردات کالا در مقابل صادرات کالا مورد توجه بیشتر قرار گرفت، در این رابطه وزارت بازرگانی طی بخشنامه‌ای مصوبه هیئت وزیران رامبنی بر ورود تعدادی از کالاها با ارز حاصل از صادرات اعلام نمود. در این سال ورود ۲۷ قلم کالای دیگر به صورت بدون انتقال ارز که شامل کالاهای وارداتی توسط برخی از مراکز تهیه و توزیع می‌گردید نیز مجاز اعلام شد. همچنین افتتاح اعتبار اسنادی با استفاده از تسهیلات اعطا شده برای استفاده از ارز شناور نیازی به طی مراحل ثبت سفارش در مراکز تهیه و توزیع بازرگانی نخواهد داشت.

بر اساس بخشنامه دیگری ثبت سفارش و گشایش اعتبار برای واردات کالا با ارز شناور جهت کلیه واردکنندگان و همچنین تمدید سررسید آنها با پرداخت حداقل ۲۰ درصد معادل ریالی وجه توسط متقاضیان امکان‌پذیر گردید و ۸۰ درصد بقیه نیز با تشخیص و مسئولیت بانک و متناسب با اعتبار مشتری و وثیقه لازم قابل پرداخت اعلام شد. در این سال سهم صادرات کالاهای غیر نفتی در کل مبادلات گمرکی غیرنفتی افزایش یافت و از حدود ۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۰ به بیش از ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۱ رسید.^۲

در سال ۱۳۷۲ به دنبال یکسان سازی نرخ ارز و تأثیر آن در ایجاد محدودیت برای واردات، تسهیلات بیشتری در امر واردات کالا و خدمات و فراهم نمودن امکانات برای

۱. گزارش اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۷۰.
۲. همان، ص ۱۳۷۱.

پرداخت‌های فوری و نقدی جهت موارد ضروری از سوی بانک مرکزی فراهم شد. حق ثبت سفارش کالاهای وارداتی به ازای هر دلار برای کالاهای اساسی ۵ ریال و در مورد سایر کالاها ۲۰ ریال تعیین گردید. در ضمن خدمات خریداری شده از خارج نیز به ازای هر دلار یا معادل آن در مورد سایر ارزها مشمول پرداخت ۲۰ ریال حق ثبت سفارش تعیین گردید. همچنین جهت کاهش هزینه واردات اعلام گردید که از گشایش اعتبارات اسنادی یا قبول بروات اسنادی برای واردات کالاهای ساخت کشورهای عضو اتحادیه پایاپای آسیایی از طریق سایر کشورها خودداری نمایند. سایر مقررات اعمال شده در سال ۱۳۷۲ در جهت محدودیت واردات به قرار زیر بوده است:

- اعلام گردید که واحدهای تولیدی منحصراً جهت تأمین مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز خود و با رعایت شرایط و ضوابط لازم مجاز به واردات بدون انتقال ارز می‌باشند و برای این منظور تأیید وزارتخانه صنعتی ذی‌ربط و انجام ثبت سفارش در وزارت بازرگانی ضروری است.

- جهت محدودسازی واردات کالاهای غیر ضروری، لوکس و تجملی مقرر گردید تا با حذف حقوق گمرکی نسبت به دریافت سود بازرگانی کالاهای وارداتی با محاسبه ارزش کالا بر مبنای ارزش شناور اقدام شود. البته در مورد ماشین‌آلات صنعتی که امکان ساختن در داخل ندارد و قطعات یدکی قرار شد که این میزان از حقوق گمرکی و سود بازرگانی قبلی بیشتر نباشد.

- مقرر گردید تا واردات کلیه کالاهای تجاری و خدماتی به داخل کشور از تاریخ ۱۳۷۲/۸/۸ به صورت بدون انتقال ارز یا از طریق گشایش اعتبار یا بروات وصولی مستلزم ثبت سفارش نزد وزارت بازرگانی باشد.

- بر اساس تصمیمات کمیته تنظیم بازار ارز میزان مجاز ورود کالا از مناطق آزاد تجاری کیش و قشم و چابهار که از تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۵ به ترتیب معادل ۷۰۰ و ۲۰۰ دلار تعیین شده بود از تاریخ ۱۳۷۲/۹/۷ به ۲۰۰ و ۸۰ دلار محدود گردید.

مجموعه اقدامات فوق موجب گردید که واردات گمرکی در سال ۱۳۷۲ با ۱۸/۷ درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۱۹ میلیارد دلار محدود گردد.

در خصوص تشویق صادرات نیز در سال ۱۳۷۲ اقدامات زیر انجام شد:

- به کلیه صادرکنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان، اعم از بخش دولتی، تعاونی یا خصوصی اجازه داده شد تا مواد اولیه، قطعات و اجزای لازم برای تولید کلیه کالاهای مورد نیاز کشور یا کالاهای صادراتی و همچنین ماشین‌آلات و تجهیزات مربوط به تکمیل،

بازسازی و توسعه کارگاه خود برای امر صادرات را با تأیید وزارتخانه ذی ربط در قبال ارز حاصل از صادرات، با استفاده از اعتبارات اسنادی یا به صورت بدون انتقال ارز وارد نماید تا از این طریق فشارهای تورمی تا حدی تخفیف یابد. در این صورت صدور کالا در سال ۱۳۷۲ نیز کماکان مستلزم سپردن پیمان ارزی بود.

- از مرداد ۱۳۷۲ به بانک‌ها اجازه داده شد که در مقابل اسناد گمرکی حاکی از صدور کالا و گشایش اعتبار اسنادی یوزانس، متناسب با حسن اعتبار مشتری تسهیلات ریالی با نرخ ترجیحی در بخش صادراتی به صادرکنندگان اعطا گردد.

- اخذ مجوز وزارت کشاورزی، بازرگانی و جهاد سازندگی جهت صدور برخی کالاهای کشاورزی و محصولات فرعی، جنگل‌ها و مراتع حذف گردید و اعلام گردید جهت صدور کلیه محصولات فلزی نیاز به ارائه تأیید از سوی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان نمی‌باشد.

مجموعه اقدامات فوق سبب گردید که ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۲ با ۲۵/۴ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۳/۷ میلیارد دلار بالغ شود. به نظر می‌رسد عامل اصلی این افزایش تأثیر سیاست‌های جدید ارزی و یکسان سازی نرخ ارز بوده است که از یک سو انگیزه بیشتری برای صادرکنندگان فراهم آورد و موجب گردید تا بخش عمده‌ای از صادرات قاچاق به سمت راه‌های رسمی و قانونی هدایت گردد و از سوی دیگر موجبات افزایش قدرت رقابت صادرکنندگان ایرانی در بازرگانی خارجی را فراهم آورد.

۷- سیاست‌های تجاری سال ۱۳۷۳

در سال ۱۳۷۳ به منظور کنترل هرچه بیشتر واردات به‌ویژه واردات کالاهای غیرضروری و مصرفی، پرداخت ودیعه ثبت سفارش توسط واردکنندگان به عنوان یکی از مراحل ثبت سفارش اعلام شد. همچنین به منظور کنترل تقاضای واردکنندگان کالا در این سال واردات بدون انتقال ارز ممنوع اعلام شد و مقرر شد که هرگونه نقل و انتقالات مالی مربوط به واردات و صادرات کالا صرفاً از طریق شبکه بانکی صورت گیرد. به همین جهت علاوه بر نرخ ارز رسمی، نرخ دیگری برای واردات در مقابل صادرات با احتساب ۵۰ ریال کمتر از نرخ بازار آزاد روزانه از سوی بانک مرکزی تعیین و اعلام شد و کلیه واردکنندگان مجاز به استفاده از آن برای واردات مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز واحدهای تولیدی شدند. در اوایل خرداد ماه همین سال عملیات ارزی خارج از سیستم بانکی قاچاق اعلام شد. در

این رابطه به منظور تنظیم جریان معاملات خارجی کشور مقرر شد از تاریخ هفتم خرداد سال ۱۳۷۳ کلیه واردات کالا منحصراً از طریق شبکه بانکی کشور انجام شود. براین اساس انواع واردات در مقابل صادرات در صورتی مجاز اعلام شد که ابتدا ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی کشور معرفی و سپس از محل آن واردات انجام شود. همچنین واگذاری حق استفاده از مجوز واردات در مقابل صادرات نیز پس از معرفی ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی کشور میسر شد. به علاوه اعلام گردید که صادرکنندگان مجاز به واگذاری ارز حاصل از صادرات خود به دیگران به منظور واردات نمی‌باشند. صادرکنندگان ارز حاصل از صادرات خود را که دارای منشأ خارجی است باید به حساب خود نزد بانک واریز نمایند و چنانچه تمایل به استفاده از ارز صادراتی برای واردات کالا نداشته باشند می‌توانند در حساب ارزی خود نگه داری نمایند یا آن را به نرخ روز به بانک واگذار کرده یا آن را در بازار آزاد به فروش برسانند. در صورت سپرده‌گذاری بانک موظف شد برای حساب ارزی صادرکننده سودی برابر یک درصد بیش از نرخ بهره بین بانکی لندن برای همان ارز در مدت مشابه بپردازد.

در تصمیم دیگری بانک مرکزی اعلام کرد چنانچه صادرکنندگان با استفاده از ارز حاصل از صادرات خود اقدام به واردات نمایند ملزم به تکمیل تعهدنامه ارز صادراتی می‌باشند. لیکن اخذ تعهد ارائه پروانه سبز گمرکی ضرورت نداشته و از پرداخت ودیعه ثبت سفارش نیز معاف می‌باشند.

در مورد تشویق صادرات در سال ۱۳۷۳، اخذ پیمان ارزی بابت صدور کالاهای غیرنفتی لغو شد و صندوق تضمین صادرات^۱ کشور فعال شد. به علاوه اعلام گردید که اخذ تعهدنامه ارزی از صادرکنندگان کالا به کشورهای آسیای میانه ضرورتی نداشته و صادرکنندگان در صورت دریافت ارز با منشأ خارجی می‌توانند در ازای اظهارنامه صادراتی کالا به واردات کالا توسط خود یا انتقال به دیگران یا فروش به بانک مبادرت ورزند. صادرکنندگان کالا به کشورهای عضو اتحادیه پایاپای آسیایی نیز می‌توانند معادل صد درصد ارز حاصل از صدور کالا را برای واردات از کشورهای مزبور یا سایر کشورها استفاده نموده یا به بانک بفروشند. در ماه‌های پایانی سال ۱۳۷۳، صادرات هر نوع مواد اولیه و کالاهای مشمول طرح تنظیم بازار مانند محصولات فولادی، مس، آلومینیم و محصولات پتروشیمی ممنوع گردید. مجوز صادرات جهت صدور تولیدات مازاد بر نیاز داخل نیز پس از اشیاع بازار، توسط وزارت بازرگانی صادر خواهد شد. به علاوه موافقت کلی وزارت بازرگانی با صدور مجدد کالاهای وارد شده به صورت بدون انتقال ارز لغو و صدور آنها با مجوز وزارتخانه مذکور امکان پذیر

۱ صندوق تضمین صادرات به حفظ حقوق صادرکنندگان در مقابل خطرات مالی و همچنین تضمین اعتباراتی که صرف صدور کالاها و خدمات می‌کند کمک می‌نماید.

شد.

در سال ۱۳۷۳ با اعمال محدودیت‌های وارداتی و صادراتی کشور به ۱۲/۶ میلیارد دلار محدود گردید و همچنین مجموعه شرایط و سیاست‌های تجاری اتخاذ شده موجب شد صادرات کالایی کشور به ۱۹/۴ میلیارد دلار برسد و تراز بازرگانی کشور با ۶/۸ میلیارد دلار مازاد مواجه شود.

۸- سیاست‌های تجاری در برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

هرچند در سال چهارم اجرای برنامه دوم به سر می‌بریم ولی اطلاعات موجود در برخی زمینه‌ها تنها در خصوص سال اول اجرای برنامه (۱۳۷۴) و بعضاً تا انتهای سال ۱۳۷۵ موجود است. از این رو به علت محدودیت اطلاعات موجود در خصوص سیاست‌های تجاری این دوره، تنها می‌توانیم به شرح سیاست‌های تجاری در سال ۱۳۷۴ اکتفا نماییم. البته در تحلیل عملکرد در مورد سال ۱۳۷۵ نیز مطالبی را ارائه می‌نماییم.

در سال ۱۳۷۴ همچون سال‌های گذشته به منظور کنترل هرچه بیشتر واردات به‌ویژه واردات کالاهای غیرضروری و مصرفی، پرداخت حق ثبت سفارش توسط واردکنندگان به عنوان یکی از مراحل ثبت سفارش اعلام شد. بر این اساس میزان حق ثبت سفارش کالاهای وارداتی به ازای هر دلار یا معادل آن در مورد سایر ارزها برای کالاهای اساسی (گندم، گوشت قرمز، قند و شکر، برنج و روغن نباتی) و کاغذ معاف و در مورد سایر کالاها مبلغ ۴۵ ریال تعیین شد.

به منظور تنظیم جریان معاملات خارجی کشور مقرر شد از تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۴ کلیه واردات کالا منحصراً از طریق شبکه بانکی انجام شود. بر این اساس ارز خریداری شده توسط سیستم بانکی براساس اولویت نیازها برای مصارف مربوط به واردات کالا و خدمات تخصیص می‌یابد. در این رابطه صادرکنندگانی که ارز حاصل از صادرات تولیدات خود را به بانک فروخته‌اند برای نیازهای تولیدی خود با تأیید کمیته مذکور در اولویت قرار دارند.

در این سال همچنین با توجه به گسترش روابط تجاری با جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع و تسهیل تجارت با این کشورها مقرر گردید که صادرکنندگان کالا (به جز فرش دستباف و پسته) به کشورهای مذکور در صورتی که با واریز ارز، تعهد خود را تسویه نمایند می‌توانند در قبال تعهد نامه ارزی خود رأساً پس از ثبت سفارش در وزارت بازرگانی نسبت به ورود کالاهای قابل ورود در مقابل صادرات از همان مبادی با ارائه پروانه سبز گمرکی اقدام

نمایند. لیکن تعهدنامه‌های ارزی مربوط به صدور فرش و پسته همچنان فقط در قبال فروش ارز به سیستم بانکی قابل تصفیه می‌باشد.

در این سال مقرر گردید تا کمیته تنظیم تعهدات ارزی کشور کلیه تعهدات بالقوه ارزی را جهت تأیید یا رد، توافق مجدد و همچنین زمانبندی مجدد پرداخت و حمل و کاهش قیمت‌های خرید و تعدیل بخشی از خریدها به ساخت داخلی با توجه به توان داخلی به گونه‌ای تنظیم نماید که تراز پرداخت‌ها همواره مثبت باشد.

جهت گسترش صادرات غیرنفتی در مرداد ماه ۱۳۷۴، به کلیه واحدهای تولیدی صادراتی تحت پوشش وزارت صنایع اجازه داده شد تا ۵۰ درصد ارز حاصل از صادرات محصول خود را که به سیستم بانکی فروخته‌اند به تشخیص وزارت صنایع صرفاً جهت تأمین واردات اقلام مورد نیاز واحدهای تولیدی خود با رعایت سایر مقررات مربوطه استفاده نمایند.

همچنین صادرکنندگان کالا (به جز فرش دستباف و پسته) به جمهوری‌های مستقل مشترک المنافع نیز می‌توانند معادل صد درصد ارز حاصل از صدور کالا را برای واردات از کشورهای مزبور استفاده نمایند.^۱

۹- عملکرد بازرگانی خارجی طی برنامه اول و دوم پس از انقلاب

۹-۱- صادرات

ارزش کل صادرات طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵ از ۸/۶ میلیارد دلار به ۲۲/۴ میلیارد دلار افزایش داشته است. در ارتباط با سهم هریک از بخش‌های نفت و گاز و کالاهای غیرنفتی در کل ارزش صادرات دو دوره کاملاً متمایز را می‌توان مشاهده نمود:

- سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۹: سهم بخش نفت روندی افزایشی را نشان می‌دهد و در نتیجه سهم صادرات کالاهای غیرنفتی روندی کاهشی داشته است.

- سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۳: سهم صادرات کالاهای غیرنفتی از کل صادرات روندی افزایشی داشته است، همچنین طی سال ۱۳۶۹-۱۳۷۱ صادرات نفت و گاز کشور دارای روند نزولی بوده اما از سال ۱۳۷۲ مجدداً شاهد روند افزایش صادرات آن هستیم. با توجه به روند رو به رشد و باثبات ارزش صادرات جهانی، نوسانات شدید افزایش و کاهش ارزش صادرات ایران موجب گردیده تا این سهم هم‌سال به سال تغییر کند و این امر از دیدگاه کارشناسان به مفهوم عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی در کشور است.

^۱ گزارش اقتصادی و برنامه‌نامه سال ۱۳۷۴ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۶۸-۷۰

سهم ارزش صادرات از تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۶۷-۱۳۷۳، به قیمت ثابت از ۱۸ درصد به ۲۴ درصد و به قیمت جاری از ۷ درصد به ۲۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. در خصوص صادرات کالاهای غیرنفتی این سهم از ۰/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش داشته است (به قیمت جاری). اما طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۵ هر سه سهم با کاهش چشمگیری همراه بوده است.

عملکرد ضعیف و عدم تحرک بخش صادرات غیرنفتی در طول یک دوره ده ساله بیانگر مشکلات عدیده بنیادی و ساختاری است که گریبانگیر بخش صادرات کالاهای غیرنفتی گردیده است که بخشی از آن متوجه مسائل مربوط به بخش تجارت و قوانین و مقررات مربوطه است و بخش عمده آن متوجه مشکلات ساختاری و عدم تحرک سایر بخش‌ها از جمله تولید است. نوسانات شدید در نرخ رشد سالانه صادرات کالاهای غیرنفتی کاملاً نشان می‌دهد که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی درازمدتی برای این بخش صورت نگرفته است و تحت تأثیر تغییرات روز به روز قوانین قرار داشته است. طی سال‌های ۱۳۶۶-۱۳۷۵ نرخ رشدهایی بین ۳۳- درصد الی ۴۲+ درصد مشاهده می‌شود و به‌طور متناوب یک سال افزایش و سال بعد کاهش وجود داشته است.

از ابتدای سال ۱۳۷۳، به واسطه لغو اخذ پیمان ارزی بابت صدور کالاهای غیرنفتی، ایجاد تسهیلاتی جهت گسترش مبادلات تجاری با کشورهای آسیای میانه، ایجاد مناطق حراست شده تجاری و بازارچه‌های

مرزی مشترک در نقاط مرزی، ایجاد تسهیلاتی نظیر صندوق ضمانت صادرات جهت تضمین اعتباراتی که به مصرف صدور کالاها و خدمات می‌رسد و حمایت از صادرکنندگان در مقابل خطرات مالی (بیمه صادراتی)، رشد قابل توجهی در صادرات غیرنفتی کشور ایجاد شد (معادل ۱/۱ میلیارد دلار نسبت به سال ۱۳۷۲). در پی بروز بی‌ثباتی در بازار ارز و به منظور تخصیص بهتر منابع ارزی جهت تأمین نیازهای وارداتی کشور، در اواخر سال ۱۳۷۳، دوباره سیاست اخذ پیمان ارزی از صادرکنندگان به مورد اجرا گذاشته شد. الزام صادرکنندگان به برگرداندن ارز حاصل از صادرات به سیستم بانکی، تثبیت نرخ خرید ارزهای صادراتی (معادل ۳۰۰۰ ریال برای هر دلار صادراتی)، به هم ریختگی برنامه‌های بلندمدت برای توسعه صادراتی را در پی داشت و باعث سرگردانی صادرکنندگان گردید و در نهایت هم ارزش صادراتی از سال ۱۳۷۴ روند کاهشی خود را آغاز کرد و به سطحی پایین‌تر از سال ۱۳۷۲ رسید. در سال ۱۳۷۵ نیز این روند ادامه داشت که هشدار جدی باید تلقی شود.

ترکیب صادرات غیرنفتی

ترکیب بخش‌های مختلف اقتصادی در ارزش کل صادرات غیرنفتی طی دوره ۱۳۶۷-۱۳۷۵ به‌طور محسوس تغییر نموده است و طی آن سهم بخش کشاورزی دارای کاهش (از ۴۴/۶ به ۲۸/۳ درصد)، بخش فرش و صنایع دستی کاهش (از ۲۹/۸ به ۱۹ درصد)، محصولات صنعتی افزایش (از ۲۲/۵ به ۵۱/۶ درصد) و در آخر مواد معدنی کاهش (از ۳/۱ به ۱/۱ درصد) یافته‌اند. جدول شماره (۶) ترکیب و نوع کالاهای صادراتی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌گردد که تنوع کالاهای صادراتی محدود بوده و از تنوع لازم برخوردار نمی‌باشد. این امر می‌تواند پیامدهای ناگواری به دنبال داشته باشد. به‌عنوان نمونه در صورت ورود یک یا چند کشور دیگر به بازارهای جهانی نظیر آنچه که برای فرش اتفاق افتاده است یا بروز تحولات ژنتیکی در بخش کشاورزی نظیر کشت و برداشت پسته در سطحی گسترده در منطقه امریکا لطامات شدیدی متوجه بخش صادرات کشورمان خواهد شد. در ترکیب صادراتی کشور ملاحظه می‌شود که ۹ دسته از کالاها، در مجموع بیش از ۸۵ درصد کل ارزش صادراتی را به خود اختصاص داده که در ضمن دارای ویژگی‌های درخور تأملی هستند.

برخی از اقلام صادراتی به لحاظ مزاد داشتن نسبت به سطح تقاضای داخلی صادر می‌شوند که عمدتاً هم جزو کالاهای لوکس و برخوردار از سطوح قیمت بالا هستند و عمدتاً به صورت خام و پردازش نشده حتی در بسته‌بندی‌های نامناسب صادر می‌شوند؛ دارای نام تجاری که بیانگر ایرانی بودن کالا در سطح جهانی باشند نمی‌باشند. بخش عمده ارزش افزوده حاصل از بسته‌بندی، توزیع و بازاریابی و حضور در سطح خرده‌فروشی نصیب شرکت‌های خارجی عمدتاً اسپانیایی، فرانسوی، هلندی و ترکیه می‌شود. صادرکنندگان این بخش دارای بافت سنتی و پیچیده‌ای هستند و از قدرت عمل بالایی در ارتباط با تعیین شرایط و مقررات برخوردارند. تفاوت بسیار زیاد بین قیمت صادراتی با قیمت فروش محصول نهایی در سطح خرده‌فروشی از مشخصه‌های بارز این اقلام است که به مفهوم از دست دادن بخش مهمی از ارزش افزوده‌ای است که می‌تواند با اندکی برنامه‌ریزی به دست آید.

برخی دیگر از کالاهای صادراتی در صورت مزاد بر تقاضای داخلی یا بازاریابی موفق در فهرست کالاهای صادراتی جای گرفته‌اند. این گروه کالاها عمدتاً تحت تأثیر قوانین و مقررات مقطعی به‌ویژه سیاست‌های تنظیم بازار قرار می‌گیرند، از بازارهای صادراتی بسیار کم‌ثبات تری نسبت به اقلام سنتی برخوردارند ولی متوسط نرخ رشد سالانه برخی از این اقلام طی دوره مورد بررسی نظیر انواع پارچه و لباس (۴۹ درصد)، مواد شیمیایی (۴۳ درصد) چدن، آهن و فولاد (۴۴ درصد)، در مقایسه با متوسط نرخ رشد مهم‌ترین اقلام سنتی که بین ۳ الی ۱۷

درصد بوده است. بیانگر وجود مزیت‌های نسبی و بالقوه در زمینه صدور محصولات صادراتی با ارزش افزوده است.

با توجه به ترکیب اقلام صادراتی که عمدتاً مواد خام و محصولات غیرصنعتی هستند متوسط قیمت جهانی آنان نیز کاهش قابل توجهی نشان می‌دهد. به طوری که از ۱/۴ دلار در سال ۱۳۶۵ به ۰/۴۴ دلار برای هر کیلوگرم کاهش یافته است. با توجه به روند صعودی متوسط قیمت‌های وارداتی باید این نتیجه را گرفت که رابطه تجاری به ضرر کشور ما و به نفع کشورهای طرف تجاری بوده است. تنها عامل مهم این روند، تمرکز در صدور چندکالای محدود، پردازش نشده و فاقد ارزش افزوده است. با توجه به افزایش هزینه‌های مربوط به بسته بندی، بازاریابی و توزیع در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، قطعاً فشار زیادی را بر قیمت مواد اولیه وارد می‌سازند. عدم وجود قدرت چانه‌زنی در کشورهای صادرکننده مواد خام به دلیل نیاز شدید به این ارز حداقل باعث عدم مقاومت در برابر چنین فشارهایی شده است.

عملکرد بخش صادرات غیرنفتی کشور از دیدگاه دیگری نیز قابل تأمل است. تمرکز در زمینه کشورهای طرف قرارداد بالاست. طی سال ۱۳۷۵، سهم ۵ کشور آلمان، امارات متحده عربی، ایتالیا، ترکیه و سوئیس، بیش از ۵۵ درصد بوده است. در ارتباط با گروه کشورهای طرف قرارداد حجم صادرات به کشورهای عضو بازار مشترک اروپا بیش از ۴۰ درصد است، این سهم در رابطه با کشورهای اکو بسیار کمتر و معادل ۲۳/۳ درصد است. با توجه به تمایل شدید کشور ایران به همکاری‌های منطقه‌ای انتظار می‌رفت که این سهم بیش از این مقدار باشد.

لازم به ذکر است که تمرکز شدید در کشورهای طرف قرارداد به مفهوم وابستگی شدید به شرایط اقتصادی کشورهای طرف مقابل است. نوسانات اقتصادی این کشورها عامل عمده نوسانات تصمیم‌های صادراتی به ویژه کالاهای لوکس و گران‌قیمت است.

۹-۲- واردات

در زمینه سهم ارزش کل واردات از تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۶۷-۱۳۷۵ دو دوره جدا از هم قابل مشاهده است. طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۰ روندی صعودی و طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۴ روندی نزولی مشاهده می‌شود. در پایان دوره سهم مذکور به قیمت‌های ثابت کاهش محسوسی داشته و به ۴/۹ درصد رسیده است. ولی به قیمت‌های جاری افزایش سهم در پایان دوره نسبت به اول دوره مشاهده می‌شود.

سهم ایران در کل ارزش واردات جهانی در سال ۱۳۷۰ به بالاترین سطح خود معادل ۰/۸۴ درصد رسیده است و با کاهش ارزش واردات ایران، با روندی کاهشی همراه شده و به کمتر از ۰/۳ درصد طی سال‌های بعد از ۱۳۷۳ رسیده است. سهم مربوط به سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) نسبت به اول دوره کاهش چشمگیری داشته است. چراکه ارزش واردات در کل جهان بیش از دو برابر رشد داشته است. حال آن که ارزش واردات ایران تنها ۶۱ درصد رشد نشان می‌دهد. کل ارزش واردات کشور طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۶۷-۱۳۷۵ به حدود ۱۵ میلیارد دلار رسیده است. به نظر می‌رسد که واردات باید وابستگی شدیدی به مقدار ارز حاصل از صادرات داشته باشد. ولی با نگاهی به ترکیب اقلام وارداتی که عمدتاً کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای هستند (بیش از ۵۰ درصد) و این اقلام هم عمدتاً در رابطه با تحقق اهداف پروژه‌های بلندمدت عمرانی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، این وابستگی مشاهده نمی‌شود. به طوری که طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۷۱، افزایش حجم واردات ماشین‌آلات لوازم حمل و نقل و کالاهای ساخته شده صنعتی منجر به کسری تراز تجاری قابل توجهی گردید. از سال ۱۳۷۲ با اتخاذ سیاست محدود نمودن ورود کالاهای لوکس و مصرفی، افزایش بازدهی طرح‌های عظیم تولید مواد اولیه و واسطه‌ای نظیر فولاد و پتروشیمی که منجر به کاهش واردات انواع مواد شیمیایی، کاهش واردات ماشین‌آلات سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز بخش‌های صنعتی گردید. روند نزولی واردات آغاز شد و با اتخاذ سیاست‌های جدید از سال ۱۳۷۳ به بعد به شکل محدود نمودن شرایط ورود کالا (به صورت واردات بدون انتقال ارز و واردات در مقابل صادرات)، افزایش محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای به کنترل‌های اداری شدیدتر، این روند شتاب بیشتری به خود گرفت و ارزش وارداتی را به سطح ارزش وارداتی سال ۱۳۶۸ کاهش داد و به این ترتیب نه تنها کسری تراز تجاری برطرف گردید بلکه مازاد تجاری معادل ۷/۷ میلیارد دلار نیز ایجاد شد. بخشی از این مازاد مربوط به افزایش قابل توجه صادرات کالاهای غیرنفتی بوده که در پی اتخاذ سیاست‌های توسعه صادرات پدید آمده بود.

اعمال سیاست‌های مختلف اقتصادی از جمله تأکید بر تکمیل طرح‌های عمرانی قبلی و عدم اجرای پروژه‌های عمرانی جدید و رعایت اولویت‌های نسبی تعیین شده در اعطا و تسهیلات برای واردات کالا به ویژه کالاهای اساسی و کوپنی و جلوگیری جدی از ورود کالاهای لوکس و مصرفی غیر ضروری نیز از عوامل مؤثر در روند کاهش واردات طی سال‌های ۱۳۷۲ به بعد محسوب می‌شوند.

حدود ۳۱ درصد ارزش واردات کشور به کالاهای سرمایه‌ای (اعم از ماشین‌آلات و لوازم حمل و نقل) اختصاص دارد. ارزش واردات غلات (عمدتاً شامل کالاهای اساسی که یارانه به آنها

تعلق می‌گیرد و از محل ارز با نرخ رسمی وارد می‌شوند) طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ یعنی برنامه اول توسعه اقتصادی-اجتماعی بیش از یک میلیارد دلار بوده است، گرچه بعداً کاهش شدیدی مشاهده می‌شود ولی طی سال ۱۳۷۴ به علت خشکسالی در داخل کشور دوباره افزایش نشان می‌دهد. بیش از نیمی از ارزش واردات انواع مواد غذایی به واردات غلات اساسی اختصاص دارد که قابل تأمل است.

علی‌رغم کاهش متوسط قیمت صادراتی طی دوره ۱۳۶۷-۱۳۷۴، متوسط قیمت وارداتی از روندی افزایشی طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۲ برخوردار بوده و پس از آن توأم با نوساناتی بوده است. این روند عمدتاً به خاطر ترکیب اقلام وارداتی کشور است که اقلام صنعتی برخوردار از ارزش افزوده، بالا، بخش عمده آنها را شامل می‌شود.

درخصوص کشورهای طرف قرارداد مانند بخش صادرات تمرکز بالایی مشاهده می‌شود. کشورهای عضو بازار مشترک به‌ویژه آلمان، ایتالیا، فرانسه و انگلستان حدود ۵۰ درصد کل واردات ایران را تأمین می‌کنند. این سهم طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۴ روند افزایشی داشته است. حال آن‌که واردات از کشورهای عضو اکو، چنین روندی را نشان نمی‌دهد و سهم کشورهای عضو اکو، در واردات کشور به کمتر از ۷ درصد در سال ۱۳۷۴ رسیده است.

جدول ۴- ارزش کل صادرات، صادرات نفت و گاز، صادرات غیرنفتی و واردات طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵

(واحد: میلیون دلار)

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
کل صادرات شامل (نفت و گاز)	۸۶۳۶	۱۲۵۸۲	۱۷۹۲۷	۱۶۴۷۷	۱۵۳۷۰	۱۸۰۸۰	۱۹۴۳۴	۱۸۳۶۰	۲۲۳۹۱
صادرات نفت و گاز	۷۶۰۰	۱۱۹۹۳	۱۶۶۱۵	۱۳۸۲۸	۱۲۳۸۲	۱۴۳۳۳	۱۴۶۰۳	۱۵۱۰۳	۱۹۲۷۱
صادرات غیرنفتی	۱۰۳۶	۱۰۴۴	۱۳۱۲	۲۶۴۹	۲۹۸۸	۳۷۴۷	۴۸۲۵	۳۲۵۷	۳۱۲۰
واردات	۸۱۷۷	۱۲۸۰۷	۱۸۷۲۲	۲۹۶۷۷	۲۹۸۷۰	۲۰۰۳۷	۱۱۷۹۵	۱۲۲۰۸	۱۴۹۸۹
تراز تجاری	۴۵۹	-۲۲۵	-۷۹۵	-۱۳۲۰۰	-۱۴۵۰۰	-۱۹۵۷	۷۶۳۹	۶۱۵۲	۷۴۰۲
سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات	۱۲	۸/۳	۷/۳	۱۶/۱	۱۹/۵	۲۰/۶	۲۴/۸	۱۷/۷	۱۳/۹

مأخذ: ۱- ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷-۱۳۷۴.

۲- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار بازرگانی خارجی، ۱۳۷۰-۱۳۷۵.

جدول ۵ - سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در کل ارزش صادرات غیرنفتی کشور طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵ (واحد: درصد)

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	نوع محصولات
سهم محصولات کشاورزی	۴۴/۶	۵۲/۷	۴۰/۳	۲۹/۳	۲۹/۸	۳۰/۲	۲۳/۳	۲۴/۱	۲۸/۳	
صنایع دستی	۲۹/۸	۳۳	۳۸/۸	۴۳/۹	۳۷	۳۶/۹	۴۴/۲	۲۹	۱۹	
محصولات صنعتی	۲۲/۵	۱۱/۷	۱۸/۴	۲۴/۹	۳۲/۵	۳۱/۸	۳۱/۳	۴۵/۲	۵۱/۶	
مواد معدنی	۳/۱	۲/۶	۲/۵	۱/۹	۰/۷	۱/۱	۱/۲	۱/۷	۱/۱	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

جدول ۶- ارزش صادرات مهم ترین محصولات صادراتی غیر نفتی کشور طی سال های ۱۳۶۷-۱۳۷۴ (واحد: میلیون دلار)

نام محصول	سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	متوسط نرخ رشد سالانه (۱۳۶۷-۱۳۷۴)
* صادرات محصولات صنعتی:										
پودر لباسشویی و صابون		۰/۴	۳/۸	۱/۶	۲/۸	۵/۶	۳/۴	۱۵	۱۳/۴	۶۵/۲
مواد شیمیایی		۲۲/۶	۳۴/۲	۱۶	۴۰/۳	۱۷/۷	۲۹/۵	۲۳۷	۳۸۸	۴۲/۵
کفش		۰/۲	۰/۰۳	۰/۲	۷/۱	۲۳	۱۱/۶	۳۷	۳۱	۵/۵
لباس و انواع پارچه		۷	۵/۴	۱۲	۲۴	۵۶	۳۷	۹۶	۱۱۳	۴۸/۸
سیمان، سنگ، مصالح ساختمانی...		۴/۵	۶/۲	۴/۲	۵/۲	۴/۵	۶/۲	۳۲/۸	۲۸/۴	۳۰/۱
وسایط نقلیه		۲	۱/۸	۴/۷	۱۴/۶	۷۹/۶	۲۰/۴	۲۴/۱	۲۴	۴۲/۶
شمش مس، ورق و مفتول آن		۱۴۳/۳	۱۷	۷۷/۳	۸۳	۱۳۲	۱۴۱	۱۰۷	۶۸	-۱۰/۱
لوازم خانه و بهداشت داخل ساختمان		۰/۴	۰/۵	۷۵/۲	۲۲۵	۲۰۵	۱۶۷	۱۳۷/۶	-	-
چدن، آهن و فولاد		۱۲/۶	۲۱	۱۴	۲۹	۳۹۹	۱۴۳	۳۴۱	۱۶۲	۴۴
هیدروکربورهای گازی		-	-	-	-	۲۸	۴۵	۷۴/۴	-	-
سایر		۳۰	۳۳	۳۷	۲۲۹	۲۵۸	۳۳۳	۴۰۹	۶۳۴/۴	۵۵
جمع صادرات محصولات صنعتی		۱۳۳	۱۲۳	۲۴۲	۶۶۰	۹۷۱	۱۱۹۲	۱۵۱۰	۱۴۶۰/۸	۴۰/۸
* صادرات محصولات کشاورزی و فنی:										
انواع فرش، گلیم و کفپوشی از مواد نساجی		۳۰۹	۳۴۵	۵۰۹	۱۱۶۱	۱۱۰۶	۱۳۸۴	۲۳۳	۹۱۹/۵	۷۰۷
میوه های تازه و خشک		۲۵۳	۳۱۹	۳۳۳	۵۲۲	۵۷۷/۶	۶۷۴/۵	۶۲۸	۵۳۴	۶۲۷
پسته		۲۰۶	۲۷۳	۳۵۸	۳۵۶	۴۰۰/۴	۴۳۵	۳۸۹	۴۲۶/۲	۱۰۰۹
کشمش		۸	۹/۳	۱۸۳	۴۴	۴۰	۴۳۰	۵۲	۳۷	۲۴/۵
انواع پوست، سلامبور		۷۸	۹۴/۲	۵۷	۷۷	۷۸	۱۱۵	۱۳۵	۸۱	۳/۸
خاویار		۲۳/۵	۳۶	۴۴	۳۵	۳۱/۱	۳۲/۳	۲۸	۲۹	-۵/۶
روده		۲۸/۴	۲۵/۴	۲۲	۲۱/۴	۳۰	۳۲	۳۷	۵۳	۹/۳
زیرد		۸۶	۱۲	۱۹/۵	۲۹	۳۹	۲۷	۲۲/۵	۱۱/۲	۳/۸
سایر		۴۸/۱	۶۱/۳	۵۱	۸۰/۳	۱۳۱	۲۴۶	۲۷۵/۴	۸۲	۷/۹
جمع صادرات محصولات کشاورزی و فنی		۷۷۰	۸۹۴	۱۰۳۸	۱۹۳۷	۱۹۹۶	۲۵۱۶	۳۲۵۹	۱۷۱۱	۱۲/۱
صادرات محصولات کشاورزی										
صادرات کلوخه های کانی فلزی		۳۳	۲۷	۳۳/۲	۵۱/۳	۲۱/۲	۳۹	۵۶	۵۵/۴	۹/۲
جمع صادرات غیر نفتی		۱۰۳۶	۱۰۴۴	۱۳۱۲	۲۶۴۹	۲۹۸۸	۳۷۴۷	۴۸۲۵	۳۲۵۷	۱۵/۱

۱- مآخذ: ۱- گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آماری بازرگانی خارجی، ۱۳۶۷-۱۳۷۴.

۲- ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال های ۱۳۶۷-۱۳۷۴.

(واحد: میلیون دلار)

جدول ۷ - ارزش واردات کالا طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	سهم در سال ۱۳۷۵ (درصد)	شرح
مواد غذایی و حیوانات زنده (غلات)	۱۳۷۴	۲۷۷۹	۲۱۳۸	۲۱۲۴	۲۲۷۶	۲۴۴۶	۱۳۶۹	۱۳۶۹	۱۴۷۳	۹/۸	مواد غذایی و حیوانات زنده (غلات)
مواد خام غیر خوراکی (به استثنای مواد نفتی)	۲۴۳	۳۹۲	۷۵۳	۸۶۰	۷۵۱	۵۵۱	۶۴۹	۱۰۸۱	۱۱۹۴	۸	مواد خام غیر خوراکی (به استثنای مواد نفتی)
مواد معدنی، سوخت...	۳۴۷	۳۱۹	۴۲۲	۳۸۵	۴۰۶	۳۸۳	۳۲۴	۲۳۴	۲۴۷	۱/۶	مواد معدنی، سوخت...
انواع روغن‌های گیاهی و حیوانی	۱۳۰	۳۵۹	۳۲۳	۲۷۸	۳۰۰	۴۳۱	۳۹۲	۶۱۰	۶۲۴	۴/۲	انواع روغن‌های گیاهی و حیوانی
انواع مواد شیمیایی	۱۳۰۴	۲۰۴۸	۲۸۷۶	۲۸۹۲	۲۶۸۹	۲۰۲۳	۱۳۷۶	۱۷۳۸	۱۴۰۸	۹/۴	انواع مواد شیمیایی
کالاهای ساخته شده، کاغذ، مقوا، پارچه، فلزی	۱۶۲۳	۲۵۵۳	۵۱۵۳	۷۰۷۵	۵۵۰۷	۳۳۴۴	۱۶۵۴	۲۲۲۱	۳۰۲۷	۲۰/۲	کالاهای ساخته شده، کاغذ، مقوا، پارچه، فلزی
ماشین آلات و لوازم حمل و نقل (ماشین آلات غیر الکتریکی)	۳۸۰۴	۳۸۴۲	۶۲۶۴	۱۴۹۲۴	۱۶۴۹۸	۱۰۰۳۶	۵۵۲۵	۳۸۱۵	۴۱۹۴	۲۸	ماشین آلات و لوازم حمل و نقل (ماشین آلات غیر الکتریکی)
کل واردات	۸۱۷۷	۱۲۸۰۷	۱۸۷۲۲	۲۹۶۷۷	۲۹۸۷۰	۲۰۰۳۷	۱۱۷۹۵	۱۲۲۰۸	۱۴۹۸۹	۱۰۰	کل واردات

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار بازرگانی خارجی، ۱۳۶۵-۱۳۷۵.

جدول ۸ - مقدار کل واردات کالا و متوسط قیمت واردات طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵ (واحد: هزار تن)

(قیمت: دلار برای هر کیلوگرم)

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	شرح
واردات	۱۰۷۴۲	۱۹۲۴۱	۱۹۵۴۲	۲۳۰۴۴	۲۱۱۱۳	۱۸۰۶۹	۱۶۰۸۳	۱۶۲۹۴	۲۰۳۵۵	واردات
متوسط قیمت وارداتی	۰/۷۶	۰/۶۷	۰/۹۶	۱/۲۹	۱/۴۲	۱/۱۱	۰/۷۳	۰/۷۵	۰/۷۴	متوسط قیمت وارداتی

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار بازرگانی خارجی، ۱۳۶۵-۱۳۷۵.

جدول ۹- ارزش واردات به تفکیک گروه کشورهای طرف قرارداد طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۵ (واحد: میلیون دلار)

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	سهم	شرح
کشورهای عضو بازار مشترک	۳۶۰۶	۵۰۴۶	۸۲۸۹	۱۴۱۴۳	۱۴۶۴۰	۸۹۲۵	۵۴۲۸	۵۶۴۰	۷۴۲۵	۴۹/۶	
کشورهای عضو اسکاپ	۳۰۳۵	۴۲۳۹	۶۶۷۹	۹۶۳۵	۱۰۷۶۲	۸۰۶۲	۴۶۰۷	۴۸۸۳	۵۸۴۶	۳۹	
کشورهای عضو اگو	۴۶۵	۸۴۴	۷۷۵	۱۲۰۲	۷۶۲	۷۴۸	۸۰۳	۱۰۵۰	۷۶۸	۵/۱	
کشورهای عضو اوپک	۳۳۶	۱۱۴۲	۱۱۴۲	۱۶۶۰	۲۳۹۳	۱۲۸۱	۷۱۸	۶۳۵	۹۴۴	۶/۳	
کل	۸۱۷۷	۱۲۸۰۷	۱۸۷۲۲	۲۹۶۷۷	۲۹۸۷۰	۲۰۰۳۷	۱۱۷۹۵	۱۲۲۰۸	۱۴۹۸۹	۱۰۰	

۱- ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۳.

۲- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمارنامه بازرگانی خارجی، ۱۳۷۴-۱۳۷۵.

جدول ۱۰- مقدار مالیات بر درآمد به تفکیک نوع مالیات طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۴

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	سهم از کل مالیات	شرح
مالیات بر واردات	۱۴۶	۳۵۰	۵۰۲/۴	۹۵۲	۱۲۴۵/۳	۱۱۲۳/۴	۱۲۸۴/۲	۱۲۵۰	۱۷/۱	
کل مالیات غیر مستقیم ^۱	۳۴۱	۵۲۸	۷۷۱	۱۳۶۹/۲	۱۷۸۴/۲	۱۴۴۵/۶	۱۶۳۶/۶	۱۶۶۴/۲	۲۲/۸	
کل مالیات مستقیم و غیر مستقیم	۹۸۶/۵	۱۱۸۷/۸	۱۶۹۵	۲۷۶۵	۳۷۷۶	۴۰۶۱	۵۴۹۱	۷۳۱۳	۱۰۰	
کل ارزش وارداتی	۱۷۵۶	۳۵۹۴	۶۷۹۲	۹۷۴۹	۱۲۳۱۹	۲۱۴۳۱	۲۲۷۸۵	۲۳۰۸۵		

۱- شامل مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش کالای باشد.

۲- ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵-۱۳۷۴.

جدول ۱۱- مقدار مصوب و عملکرد مالیات بر واردات به تفکیک اجزای آن طی سال‌های (۱۳۶۷-۱۳۷۷) (واحد: میلیارد ریال)

سال	۱۳۶۷		۱۳۶۸		۱۳۶۹		۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳		۱۳۷۴		۱۳۷۵		۱۳۷۶		۱۳۷۷	
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد
مالیات بر واردات	۳۴۲/۳	۱۴۶	۲۷۶	۳۵۰	۴۰۱	۵۰۲/۴	۹۳۹	۹۲۵	۱۰۷۲	۱۲۴۵/۳	۲۰۷۲	۱۱۲۲/۴	۳۳۶۰	۱۲۸۴/۲	۲۲۴۸	۱۲۵۰	۲۶۴۰	۲۹۳۴/۴	۵۳۶۸	۴۷۳۵	۴۴۰۰	۶۴۰۰
حقوق گمرکی	۸۰	۵۰	۷۰/۵	۷۰/۳	۷۷	۱۱۵	۱۱۵	۱۸۰/۳	۱۹۰	۲۱۳	۴۱۰	۲۳۷	-	۱۴۱/۵	-	۲/۷	-	۵۰۴	۳۸۰	۳۸۰	۸۲۰	۸۲۰
سود بازرگانی	۱۱۰	۵۷/۴	۸۵	۹۰/۶	۱۱۶	۱۶۱/۴	۴۲۷	۳۸۸/۷	۴۲۷	۴۸۹	۱۰۰۰	۴۱۷	۲۵۲۰	۵۹۰	۱۶۳۵	۷۹۰	۲۲۰۹	۱۰۳۳	۲۵۰۰	۲۵۰۰	۲۵۰۰	
حق ثبت سفارش کالا	۴۰	۳۵/۷	۱۰۹	۱۷۹/۴	۱۹۳	۲۱۵	۳۲۹	۳۶/۲	۳۶۹	۴۰۰	۲۴۴	۴۴۰	۲۴۴	۳۹۰	۴۰۵	۴۰۵	۱۲۰۰	۱۳۵۸	۱۸۰۰	۱۸۰۰	۳۰۰۰	
۳۰ درصد ارزش اتومبیل‌های وارداتی	۳	۱/۱	۳	۱/۴	۳/۶	۷/۵	۶۸	۷۲	۶۸	۱۲۱/۲	۲۰۰	۲۰۵	۳۵۰	۱۴۵/۶	۱۶۵	۴۳/۷	۱۵۰	۴۰	۲۰	۲۰	۴۰	
سایر ^۱	۱۰۹/۳	۰/۴	۸/۵	۵/۵	۱۱/۴	۰/۹	۱	۲/۱	۱۸	۱۴	۲۲	۱۴/۳	۳۰	۱۸	۴۳	۹	۸۱	۰/۶	۶۶۸	۳۵	۴۰	

۱- سایر شامل:

- ۱- حقوق گمرکی و عوارض واردات کالاهای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی.
- ۲- حقوق گمرکی و عوارض واردات قطعات منفصله اتوبوس.
- ۳- ۵۰ درصد سود بازرگانی خودروهایی وارداتی.
- ۴- ۰/۵۵ درصد کارمزد ثبت سفارشات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- مالیات خودروهایی وارداتی.

مأخذ: قانون بودجه سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۷.

ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷-۱۳۷۴.

۹-۳- مشکلات موجود در بخش صادرات کشور

- ۱- عدم ثبات قوانین و مقررات مربوط به صادرات و تغییرات پی در پی این قوانین به نحوی که برنامه ریزی بلندمدت برای صادرات را در واحدهای تولیدی کالاهای صادراتی غیرممکن می سازد.
- ۲- نوسانات نرخ ارزهای معتبر بین المللی.
- ۳- فقدان اعتبارات صادراتی و مکانیسمی برای ضمانت صادرات.
- ۴- فقدان نظام اطلاعاتی منظم و مستمر برای انتقال اطلاعات مربوط به بازارهای عمده مصرف (عرضه و تقاضای کالاهای صادراتی) در سطح جهانی به تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشور (ضعف نمایندگی های سیاسی ایران در خارج و عدم تجهیز آنها به کارهای اقتصادی و...).
- ۵- تعدد مراکز تصمیم گیری در مورد صادرات و ناهماهنگی بین فعالیت های سازمان ها و ارگان هایی که کار آنها به صادرات مربوط است.
- ۶- پایین بودن کیفیت اغلب کالاهای صادراتی و کافی نبودن لوازم بسته بندی و مواد جنبی مورد نیاز برای ساخت و بسته بندی کالاهای صادراتی.
- ۷- تعدد مراحل و طولانی بودن تشریفات مربوط به گرفتن مجوزهای لازم برای صادرات.
- ۸- کافی نبودن تسهیلات زیر بنایی در رابطه با صادرات.
- ۹- عدم انطباق ساختار تشکیلاتی و سازماندهی مرکز توسعه صادرات ایران با نیازهای زمان حال و کمبود کادر تخصصی توسعه صادرات در این مرکز.

۹-۴- مشکلات موجود در بخش واردات

- ۱- فقدان برنامه مشخص در امر واردات کشور برای تأمین نیازهای واقعی جامعه.
- ۲- ورود کالاهای غیرضروری که مهم ترین عامل مصرف زدگی جامعه بوده است.
- ۳- ناهماهنگی واردات کشور با برنامه گسترش صنایع داخلی.
- ۴- احتکار، خارج کردن ارز و تقلب به وسیله برخی از واردکنندگان.
- ۵- تنوع بیش از حد کالاهای وارداتی و تحمیل هزینه های سنگین برای ورود این کالاها.
- ۶- وابسته بودن به چند کشور مبدأ به عنوان تأمین کننده بخش عمده واردات کشور.
- ۷- ناآشنایی واردکنندگان با منابع متعدد کالاها و نابرخورداری از اطلاعات بازرگانی لازم در امر واردات.
- ۸- گسترش قابل توجه دخالت واسطه گران داخلی و خارجی در امر واردات.

۹- متعدد بودن شرکت‌ها و سازمان‌های واردکننده.

۱۰- نارسایی‌های گسترده مدیریت واردات کشور در تجارت تهاتری سال‌های گذشته.^۱

۱۰- تحلیلی بر عملکرد بازرگانی خارجی در برنامه اول

مروری بر عملکرد صادرات طی برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حاکی از عدم تحقق اهداف برنامه در زمینه صادرات غیرنفتی، صادرات نفت و گاز و کل صادرات می‌باشد. چنانچه صادرات غیرنفتی براساس برنامه می‌باید در مجموع به ۱۷۸۳۶ میلیون دلار می‌رسید، درحالی که عملکرد برنامه حدود ۱۱۷۴۰ میلیون دلار بود که به میزان ۶۰۹۶ میلیارد دلار کمتر از میزان مصوب برنامه بوده است.

درخصوص صادرات نفت و گاز نیز عملکرد پنج ساله برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) به میزان ۶۹۱۵۱ میلیون دلار بود، در حالی که در قانون برنامه اول رقم ۸۳۰۹۶ میلیون دلار به تصویب رسیده بود. براین اساس عملکرد برنامه حدود ۱۳/۹۴۵ میلیارد دلار کمتر از مصوب برنامه بوده است که این عدم تحقق حدود ۱۴ میلیارد دلاری را باید در تغییرات قیمت نفت و گاز و میزان فروش آن طی دوره برنامه جستجو کرد.

میزان واردات نیز طبق برنامه پنج ساله باید به ۱۱۴/۳ میلیارد دلار می‌رسید در حالی که میزان عملکرد وارداتی کشور در مجموع پنج ساله برنامه به ۱۱۱/۱۱۳ میلیارد دلار رسید که تا حدودی (در مقایسه با انحراف موجود در میزان تحقق صادرات) نزدیک به رقم مصوب برنامه بود و در کل پنج سال حدود ۳/۱۸۷ میلیارد دلار کمتر از میزان مصوب بوده است.

همچنین آمارهای موجود حاکی از آن است که سهم واردات کالاهای مصرفی در طی دوره مورد بررسی از ۱۸/۱ درصد به ۱۱/۱ درصد در انتهای دوره کاهش یافته و سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای طی این دوره افزایش داشته است که این روند با مصوبات برنامه درخصوص سهم کالاهای مذکور مطابقت دارد.

در مجموع نکته برجسته‌ای که در عملکرد برنامه اول وجود دارد، انحراف زیادی است که در حجم صادرات غیرنفتی کشور از میزان مصوب آن وجود دارد؛ چیزی حدود ۶ میلیارد دلار. عدم تحقق این بخش را باید در عدم اجرا یا توفیق خط مشی‌های برنامه در بعد صادرات غیرنفتی دانست.

آمار و ارقام ارائه شده حاکی از آن است که عمده‌ترین درآمدهای ارزی غیرنفتی از

^۱ بیست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۹، صفحات ۸۱-۸۳-۸۵.

خام‌ترین و ابتدایی‌ترین فعالیت‌های اقتصادی، یعنی کشاورزی و مواد سستی (قالی بافی) تأمین می‌شود. همچنین واقعیت دیگر در اقتصاد ایران آن است که صنعت، حتی به مفهوم ابتدایی و نیمه مکانیزه آن، هنوز نقش کوچک‌تری از بخش کشاورزی و صنایع دستی کشور دارد. میزان تحقق آن نیز از سایر موارد انحراف بیشتری دارد. به طوری که سهم کل صادرات صنعتی طی برنامه پنج ساله اول به جای ۴۴ درصد برنامه‌ریزی شده، تنها ۱۴/۶ درصد بوده است.

جدول ۱- سهم ارزش صادرات کالا و خدمات در تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵ (واحد: میلیارد ریال)

سال	تولید ناخالص داخلی		کل صادرات		سهم از کل GDP (درصد)		صادرات غیر نفتی	
	قیمت ثابت=۱۰۰	قیمت جاری	قیمت ثابت=۱۰۰	قیمت جاری	قیمت ثابت=۱۰۰	قیمت جاری	سهم از کل GDP	قیمت جاری
۱۳۶۷	۹۴۵۱	۲۴۱۸۸	۱۷۲۵	۱۵۱۴	۱۸	۷	۰.۸	۱۸۲
۱۳۶۸	۹۷۹۷	۲۷۵۷۵	۱۸۶۶	۲۷۷۳	۱۹	۱۰	۰.۸	۲۳۰
۱۳۶۹	۱۰۹۹۸	۳۶۳۸۱	۲۲۵۳	۵۳۹۵	۲۰	۱۵	۱.۱	۳۹۴
۱۳۷۰	۱۲۳۳۸	۵۰۵۷۰	۲۵۲۹	۷۴۳۹	۲۰	۱۵	۲.۴	۱۱۹۸
۱۳۷۱	۱۲۹۸۶	۶۶۳۹۶	۲۷۱۸	۹۸۶۴	۲۱	۱۵	۳	۱۹۲۳
۱۳۷۲	۱۳۰۷۱	۹۳۵۱۸	۳۱۵۵	۲۲۶۱۷	۲۴	۲۴	۵	۴۶۵۹
۱۳۷۳	۱۳۲۸۱	۱۲۳۵۱	۳۱۹۶	۳۱۹۰۹	۲۴	۲۶	۶.۴	۷۹۱۴
۱۳۷۴	۱۳۸۸۴	۱۸۰۸۰۰	۲۵۶۵	۳۶۶۴۳	۱۸	۲۰	۳.۶	۶۴۸۶
۱۳۷۵	۱۶۰۴۲	۲۳۹۰۵۴	۲۸۸۳	۴۳۸۲۸	۱۸	۱۸	۲.۶	۶۱۰۷

مأخذ: ۱- ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۴.

۲- آمار سال ۱۳۷۵ از مجموعه آماری، سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، تیر ۱۳۷۶.

۱۱- تحلیلی بر عملکرد بازرگانی خارجی طی سال‌های اول و دوم برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

با توجه به اهداف کمی و کلان برنامه دوم توسعه، کل دریافت‌های ارزی حاصل از صادرات نفت معادل ۷۲/۶۵۸ میلیارد دلار و دریافت‌های ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی معادل ۲۷/۵۲۷ میلیارد دلار در کل دوره برآورد شده است. با عنایت به هدف تعیین شده در مورد میزان کاهش تعهدات ارزی کشور ۸/۲۰۶ میلیارد دلار، منابع ارزی برای واردات معادل ۹۱/۹۷۹ میلیارد دلار پیش‌بینی گردیده است. طی سال‌های برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳-۱۳۷۸)، متوسط نرخ رشد سالانه برای صادرات نفتی کشور ۳/۴ درصد، صادرات غیرنفتی ۸/۴ درصد و واردات ۴/۳ درصد در نظر گرفته شده است. ولی با توجه به عملکرد دو سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ بازرگانی خارجی باید گفت که واردات از متوسط نرخ رشدی معادل ۲۰/۷ درصد و صادرات از متوسط نرخ رشدی معادل ۰/۶- درصد برخوردار بوده است.

در مجموع باید گفت عملکرد بخش بازرگانی در بعد واردات مثبت و در بعد صادرات

غیرنفتی منفی بوده است. علی‌رغم کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت طی سال ۱۳۷۴، سیاست‌های اتخاذ شده در جهت تخصیص ارز جهت واردات به گونه‌ای اعمال گردید که بخش عمده ارز به سمت کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که در مجموع ۸۵ درصد از واردات کشور را تشکیل می‌دهند، سوق داده شد و این امر مانع از عدم رشد تولید ناخالص داخلی گردید. ضمن این که در بخش کالاهای مصرفی نیز بخش اعظم ارز به واردات اقلام ضروری و کالاهای اساسی اختصاص یافت. محدودیت واردات اقلام لوکس و مصرفی غیرضروری و افزایش نسبی درآمدهای حاصل از صادرات نفت باعث گردید که تراز تجاری مثبت شده و در زمینه بازپرداخت دیون خارجی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

عملکرد منفی صادرات غیرنفتی، عمدتاً ناشی از عدم ثبات در قوانین و مقررات بوده است. اتخاذ پیمان نرخ ارز به‌ویژه بعد از یک دوره پنج‌ساله ۱۳۶۸-۱۳۷۳ که صادرات غیرنفتی دارای کمترین محدودیت‌ها در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی بوده، افزایش هزینه‌های تولید در داخل، عدم توان بخش صنعت در تولید کالای قابل رقابت و قابل عرضه در بازارهای جهانی... و در یک کلام عدم وجود ساختار صادراتی در کشور که مسیر قبل از تولید تامصرف را به‌طور معنی‌داری به هم مرتبط سازد، مانع اصلی در سر راه رشد صادرات غیرنفتی بوده است. اگرچه به دلیل کاهش شدید صادرات فرش و پسته، سهم کالاهای صنعتی در سال ۱۳۷۶ به ۶۰ درصد می‌رسد ولی افزایش مطلق قابل توجهی صورت نمی‌گیرد.

این روند منفی باعث شد تا بر ثبات سیاست‌ها و مقررات تأکید ویژه‌ای صورت گیرد، دادن مجوز صد درصد واردات در قبال ارز صادراتی، واقعی‌تر شدن نرخ واریزنامه‌های پیمان، افزایش مهلت واریز ارز مربوط به پیمان ارزی، از جمله سیاست‌هایی بود که جهت بهبود بخش صادراتی اتخاذ گردید که عمدتاً مربوط به اواخر سال ۱۳۷۶ و اوایل سال ۱۳۷۷ می‌باشد. ولی با توجه به عدم وجود برنامه درازمدت صادراتی که تمامی ابعاد مربوط به این بخش به‌ویژه مسائل مربوط به بازار، رقبا، قیمت‌های جهانی، کیفیت، بازاریابی را پوشش دهد، تأثیر این گونه سیاست‌ها نیز در کوتاه مدت اگر هم موفقیت‌آمیز باشد حتماً مقطعی و موردی خواهد بود.

جدول ۲- پیش‌بینی‌های مربوط به بازرگانی خارجی طی برنامه دوم توسعه
(میلیارد دلار)

شرح	نرخ رشد ۱۳۷۳-۱۳۷۸ (درصد)	جمع دوره
واردات	۴/۳	۹۱.۹۷۹
صادرات غیرنفتی	۸/۴	۲۷.۵۲۷
صادرات نفتی	۳/۴	۷۰.۶۵۸

مأخذ: قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

جدول ۳- عملکرد بازرگانی خارجی طی دو سال اول

(میلیارد دلار)

برنامه دوم توسعه

شرح	۱۳۷۴	۱۳۷۵	نرخ رشد (درصد)	پیش‌بینی برنامه (درصد)
واردات	۱۲.۲	۱۴.۷	۲۰/۷	۴/۳
صادرات غیرنفتی	۳/۲۲	۳/۲۱	-(۰/۶)	۸/۴
صادرات نفتی	۱۸/۳۶	۲۲/۴	۱۰/۵	۳/۴

چنانچه پیش‌تر نیز مطرح نمودیم در قانون برنامه دوم با هدف کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ارز حاصل از صادرات نفت، سیاست توسعه صادرات غیرنفتی مورد توجه قرار گرفت. اصلاح قانون صادرات و واردات، اتخاذ سیاست‌های ارزی و تعرفه‌ای مناسب جهت ثبات سیاست‌ها و تشویق صادرات، حمایت از سرمایه‌گذاری در جهت افزایش ارزش افزوده صنایع تبدیلی، تقویت بانک توسعه صادرات، تعیین حدود میزان فعالیت بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، نظارت بر ارزیابی مستمر بر امور صادرات، توسعه مبادلات تهاتری غیرنفتی، منسجم نمودن تشکیلات موجود در امور صادرات زیر نظر یک کمیته مالی تحت عنوان شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی، فعال‌تر کردن دفاتر نمایندگی خارج از کشور، استفاده از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات، تشکیل و تقویت اتحادیه‌ها و تعاونی‌های صادراتی، اختصاص سهمی از تولید به صادرات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی برای ارزیابی و تبلیغات، برقراری مشوق‌های صادراتی در صورت لزوم و در نهایت بازبینی شرح وظایف سازمان‌های مرتبط با صادرات و اقدامات موازی و کاهش دیوان سالاری از مهم‌ترین سیاست‌هایی بود که جهت تحقق توسعه صادرات غیرنفتی در قانون برنامه دوم پیش‌بینی شده است.

اما اگر شاخص‌های آماری ارائه شده را بار دیگر مرور نمایم تنها یک نتیجه را می‌توان گرفت و آن هم عدم اجرای سیاست‌های فوق‌الذکر است. تغییرات پی در پی در مقررات صادراتی به‌ویژه از سوی ستاد تنظیم بازار و بانک مرکزی، امکان یک حرکت مستمر را از

بخش صادرات گرفته است.

شورای عالی توسعه صادرات نیز نتوانسته به طور کلیدی مشکلات مربوط به این بخش را برطرف نماید و تحت تأثیر تصمیمات روزمره قرار می‌گیرد. به علاوه مناطق آزاد نیز هنوز در صادرات کشور جایگاه ویژه‌ای نیافته‌اند.

۱۲- خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق تحلیلی از وضعیت بازرگانی خارجی کشور را طی برنامه اول و دوم توسعه ارائه نمودیم. در این راستا نخست به تبیین خصوصیات تجاری کشورهای در حال توسعه پرداختیم تا سیر تحولاتی که در استراتژی‌های تجاری کشورهای در حال توسعه ایجاد شده است را در یابیم. از جمله خصوصیات تجاری کشورهای مذکور به وابستگی تجاری این کشورها به کشورهای پیشرفته و این مطلب که تجارت آنها عمدتاً مواد اولیه و محصولات کشاورزی و مواد خام و سوخت را شامل می‌شود و خصوصیتی که رابطه مبادله را به ضرر آنها تعیین می‌کند اشاره گردید. بنابراین تنظیم یک استراتژی تجاری مناسب در تدوین برنامه‌های توسعه این کشورها از اهمیت فراوانی برخوردار است.

سپس در تشریح استراتژی‌های تجاری کشورهای در حال توسعه به استراتژی جانشینی واردات و تشویق صادرات اشاره نمودیم. جانشینی واردات عموماً از جاذبه سیاسی بیشتری برخوردار بوده است. البته فوایدی هم داشته و برخی کشورها با استفاده از این استراتژی در مراحل توانسته‌اند سهم واردات به کل تجارت‌شان را کاهش دهند. اما اتخاذ آن با مشکلاتی همراه است از جمله این که کشورهای در حال توسعه وابستگی شدیدی به خارج از کشور دارند. دوم این که هزینه انجام آن سنگین است، چراکه صنایع را از رقابت خارج می‌کند. به دلیل مشکلاتی که اتخاذ این سیاست ایجاد می‌نمود، کشورهای در حال توسعه به مرور به سمت سیاست تشویق صادرات که یک استراتژی صنعتی شدن هم محسوب می‌شود روی آوردند. در مقایسه با سیاست جایگزینی واردات، تشویق صادرات سیاستی در جهت توسعه بازار است. چراکه تأکید بیشتری بر محرک‌های قیمتی و اصل رقابت جهت تخصیص منابع دارد.

در بخش بعدی با ارائه جدولی تجربه ۱۰ کشور از نظر نوع استراتژی تجاری متخذه و اثرات آن بر رشد اقتصادی و رشد صادرات آنها طی دوره‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفت. مقایسه عملکرد اقتصادی اجتماعی این کشورها همگی حاکی از توفیق استراتژی

تشویق صادرات بوده است. برای مثال برزیل در دوره‌ای که سیاست جایگزینی واردات را اعمال می‌نمود، نرخ رشد متوسط سالانه اقتصادش از ۶/۹ درصد به ۴/۲ درصد کاهش داشت؛ در حالی که طی دوره‌ای که استراتژی تشویق صادرات را اتخاذ نموده بود، رشد اقتصادش را از ۷/۶ به ۱۰/۶ درصد افزایش داد.

در بخش بعدی به استراتژی‌های تجاری بعد از انقلاب اسلامی و در قالب برنامه‌های توسعه پرداختیم. با مروری بر اهداف تجاری و خط‌مشی‌های موجود مربوط به این بخش در متن برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان نتیجه گرفت که محدوده مکانیسم سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه پنج ساله اول، در جهت حمایت و تشویق صادرات و محدود کردن واردات قرار گرفته است که این حمایت و تشویق می‌تواند از طرق مختلف همچون، سیاست‌های ارزی، بازرگانی، حمایتی، تشکیلاتی و مسائل پیش‌بینی شده برای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی انجام گیرد و همچنین تحدید و هدایت واردات می‌تواند از طرق مختلف مانند سهمیه بندی کالاهای وارداتی و تعیین میزان و سقف برای کالاهای وارداتی، قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی، کنار گذاشتن بخشودگی‌های حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عقد قراردادهای بازرگانی با کشورهای متعدد انجام گیرد.

به علاوه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور نیز تلاش در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و توسعه بیش از پیش صادرات غیرنفتی را به عنوان یک هدف کیفی در برنامه ارائه نمود و خط‌مشی‌هایی جهت حصول به این هدف تنظیم گردید که همگی آنها نشان دهنده گرایش برنامه به سمت استراتژی برون‌گرای توسعه است.

بخش بعدی تحقیق به تشریح سیاست‌های تجاری کشور در طول سال‌های برنامه اول و دوم اختصاص داشت. در این بخش ضمن تشریح سیاست‌های مذکور، اهم اقدامات انجام شده در خصوص سیاست‌های تجاری را به تفکیک برای هر سال مورد بررسی قرار دادیم. سال ۱۳۶۸ اولین سال فعالیت برنامه‌ای جمهوری اسلامی ایران بود که در این سال مقررات صادرات و واردات گمرکی کشور در جهت تحدید واردات کالاهای لوکس و غیرضروری و تسهیل واردات اولیه موردنیاز صنایع و کالاهای اساسی صورت گرفت. صادرکنندگان نیز موظف به سپردن پیمان ارزی شدند. همچنین به بانک‌ها اجازه داده شد که ارز حاصل از صادرات را با نرخ غیررسمی از صادرکنندگان خریداری نمایند. به همین ترتیب هر ساله مقرراتی در جهت تحدید واردات غیر اساسی و تشویق صادرکنندگان تنظیم شد.

از ابتدای برنامه اول نیز فهرست کالاهای مشمول واردات در مقابل صادرات اعلام گردید و به مرور در راستای سیاست‌های تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی این سیاست مورد توجه

بیشتری قرارگرفت و فهرست کالاهای مشمول این سیاست گسترش یافت. در سال ۱۳۷۲ نیز به کلیه صادرکنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان اعم از بخش دولتی، تعاونی یا خصوصی اجازه داده شد تا مواد اولیه و سایر لوازم مورد نیاز را با تأیید وزارتخانه ذی ربط در قبال ارزش حاصل از صادرات با استفاده از اعتبارات اسنادی یا به صورت بدون انتقال ارزش وارد نماید. در سال ۱۳۷۴ جهت گسترش صادرات غیرنفتی به واحدهای تولیدی صادراتی تحت پوشش وزارت صنایع اجازه داده شد تا ۵۰ درصد ارزش حاصل از صادرات محصول خود را که به سیستم بانکی فروخته‌اند به تشخیص وزارت صنایع صرفاً جهت تأمین واردات اقلام مورد نیاز واحدهای تولیدی خود با رعایت سایر مقررات مربوطه استفاده نمایند.

سرانجام در بخش انتهایی تحقیق به ارائه عملکرد بخش تجارت خارجی کشور در بعد صادرات و واردات پرداخته‌ایم و ضمن آن با ارائه سهم‌های مختلف و توزیع جغرافیایی صادرات و واردات و موارد دیگر تصویر روشنی از عملکرد بخش ارائه نموده‌ایم. اگر بخواهیم عمده مسئله موجود در این عملکرد را متذکر شویم باید به معضل «صادرات غیرنفتی» کشور اشاره نماییم که علی‌رغم آن همه خط‌مشی‌ها و تدابیری که در طول برنامه‌ها اندیشیده می‌شود همچنان در سطح نازلی قرار دارد. به طوری که در طول یک دوره ۹ ساله از برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یعنی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵ ارزش کل صادرات غیرنفتی به حدود ۲۴ میلیارد دلار رسید. متوسط سهم سالانه صادرات غیرنفتی از کل صادرات کشور طی ۹ سال مذکور حدود ۱۵/۵ درصد بود که در شرایط موجود اقتصاد کشور و کاهش چشمگیر درآمدهای نفتی، عزم و اراده راسخی را برای رشد صادرات غیرنفتی طلب نموده و صادرات غیرنفتی را از مهم‌ترین مسائل کشور در بعد تجارت خارجی قرار می‌دهد.

بنابراین مروری بر عملکرد بخش تجارت خارجی چنانچه در این تحقیق انجام پذیرفته است ما را متوجه بحرانی در بخش تجارت خارجی می‌کند و آن بحران «صادرات غیرنفتی» است. در انتهای فصل ضروری نمی‌بینیم که تحلیل عملکرد را مجدداً ارائه کنیم ولی نتیجه نامطلوبی که در عملکرد وجود دارد این سؤال را مطرح می‌سازد که این مشکلات در چه سطحی از «برنامه تا عمل» ریشه دارد.

اگر به اهداف دو برنامه رجوع کنیم اساساً برنامه اول را با استراتژی «تشویق صادرات همراه با محدودیت واردات» و گرایش برنامه دوم را بیشتر به استراتژی برون‌گرا می‌یابیم. [در حد هدف‌گذاری‌های دو برنامه].

بنابراین برنامه اول تنها گرایش به تشویق صادرات و محدودیت واردات داشته و برنامه

دوم نیز بیشتر به تشویق صادرات اهمیت داده است. ولی در هیچ کدام از این برنامه‌ها استراتژی تجاری شناخته شده‌ای رسماً اعلام نگردیده است. البته این احتمال وجود دارد که ما با مطالعه و بررسی دقیق مقتضیات اقتصاد ایران، نوعی استراتژی را خارج از قالب‌های معمول آن در ادبیات توسعه مطلوب تشخیص دهیم ولی به هر حال این امر نیز طبق تحقیق فعلی مشخص می‌شود که آنچه که تدوین شده با استراتژی‌های معمول مطابقت کاملی ندارد. مروری بر خط مشی‌های برنامه نیز در توضیح عملکرد ضعیف صادرات غیرنفتی می‌تواند مفید باشد. به‌طور مثال در خط مشی‌های مربوط به تشویق صادرات در برنامه دوم بر استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات و صادرات مجدد، فعال کردن دفاتر نمایندگی‌های خارج از کشور و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران برای صادرات، برقراری مشوق‌های صادراتی و برده‌ها حمایت دیگر تأکید شده است که همگی آنها فی‌نفسه می‌تواند تشویقی برای صادرات غیرنفتی کشور باشد. با توجه به این که خط مشی‌های مذکور همگی می‌توانند حمایت‌های مثبت و بعضاً با اهمیتی برای تشویق صادرات تلقی شوند، بنابراین بخشی از عملکرد ضعیف صادرات غیرنفتی (و احتمالاً بخش مهمی از آن) را می‌توانیم به عدم اجرای موفق خط مشی‌های مذکور نسبت دهیم که البته بررسی مشکلات اجرایی هر یک از خط مشی‌های مذکور مجال و فرصت فراوانی می‌خواهد که در این مختصر نمی‌گنجد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

- اقتصاد ایران اتکای زیادی به درآمدهای نفتی دارد و این امر کلیه برنامه‌های توسعه کشور را تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد. اکنون که برنامه‌ها و بحث‌های وسیعی برای حرکت به سمت اقتصاد غیرمتکی به درآمدهای نفتی مطرح می‌باشد لازم است که طراحی و تعیین مشخص استراتژی تجاری کشور در اولویت قرار گیرد تا در چارچوب آن استراتژی مشخص، سیاست‌های تجاری کشور تنظیم شود. در صورت فقدان یک استراتژی مشخص بی‌ثباتی در سیاست‌های تجاری عوارض وسیعی را بر تجارت خارجی و اقتصاد داخلی خواهد داشت.

- مطالعه و بررسی‌های انجام شده درخصوص تجربه کشورها در به کارگیری استراتژی‌های تجاری مختلف حاکی از توفیق استراتژی تشویق صادرات می‌باشد. براین اساس لازم است ضمن انجام مطالعات لازم درخصوص مناسبت این استراتژی با شرایط اقتصاد ایران تجربه موفق آن را در سایر کشورها مورد توجه قرار دهیم. در صورت اتخاذ این استراتژی می‌توان از سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز استفاده نمود. به علاوه همانند عملکرد کره از

مشوق‌های سیاست برون‌گرای توسعه نیز بهره برد. از جمله دسترسی به وام‌های مشمول یارانه برای صادرات، دسترسی به مواد واسطه‌ای و خام برای فعالیت‌های صادراتی، کاهش مالیات‌های غیرمستقیم کالاهای صادراتی و کالاهای واسطه‌ای، کاهش مالیات‌های مستقیم بر درآمدهای صادراتی، نظام ارتباط صادرات و واردات.

- استراتژی تشویق صادرات با ابزارهای متعددی قابل تحقق است. در بین این ابزارها روش ارتباط صادرات و واردات می‌تواند مورد توجه بیشتری قرار گیرد چراکه انگیزه‌ای برای افزایش صادرات به صادرکننده می‌دهد، همچنین می‌تواند نوع واردات را هدایت نموده و به سمت کالاهای مورد نیاز صنایع داخلی سوق دهد. بنابراین می‌تواند ابزاری دو منظوره تلقی شود که بدون تحدید مستقیم واردات، هم تشویقی برای صادرات است و هم کنترلی بر نوع واردات.

- گسترش صادرات غیرنفتی مستلزم ورود به بازارهای جهانی است. برنامه‌ریزی در این خصوص باید از جنبه‌های مهمی برخوردار باشد. از جمله باید موارد ذیل را مورد توجه قرار داد:

* روابط تجاری با کشورهای دیگر به‌ویژه در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای در اولویت جدی‌تری قرار گیرد.

* تولید و صادرات صنعتی به عنوان کالاهایی با ارزش افزوده بالا باید در سیاست کلی کشور مدنظر قرار داشته باشد و همه بخش‌ها جهت تحقق آن متعهد باشند.

* پذیرش ضوابط و معیارهای تولید بهتر و رعایت مقررات جهانی به‌ویژه مقررات کار، استاندارد و محیط زیست بین‌المللی الزام‌آور شود.

* سیاست واگذاری بخش‌های تولیدی و خدماتی به بخش‌های خصوصی و قانونی و ارائه خدمات کلان از سوی دولت به مورد اجرا گذارده شود.

* بانک‌ها و کلیه مؤسسات مالی کشور برای به راه انداختن صنعتی که دارای توان ارائه تولیدات مورد نیاز داخلی و تولیدات صادراتی باشند به خدمت گرفته شوند.

* ایجاد تسهیلات برای جذب مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی با هدف انتقال تکنولوژی.

* تنظیم روابط اقتصادی، فرهنگی، فنی، خدماتی، سیاسی و حقوقی در چارچوب سیاست توسعه صادرات از طریق جلوگیری از تصمیمات روزمره و متمرکز کردن کل سیاست‌گذاری‌ها در یک واحد مرکزی با حضور بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی به‌طور فعال.

* برای همسو کردن فعالیت وزارتخانه‌ها به‌ویژه وزارت بازرگانی، صنعت و معدن باید اقدام

منابع و ماخذ

- ۱- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۷۶.
 - ۲- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸).
 - ۳- سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۷۶، (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، بخش هشتم.
 - ۴- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در مجمع عمومی مورخ ۱۳۶۹/۵/۳۰.
 - ۵- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های ۱۳۶۹، ۱۳۷۴ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
 - ۶- سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی سازمان برنامه و بودجه، تیر ۱۳۷۶.
 - ۷- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار بازرگانی خارجی، ۱۳۷۰-۱۳۷۵.
 - ۸- گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه، آماری بازرگانی خارجی، ۱۳۶۷-۱۳۷۶.
- 9- Economic and social survey of Asia and the Pacific. United Nations , New York. 1998. pp.77-78.
- 10- Carbough , "International Economics". 1992.
- 11- Harry G. Johnson. "Economic Nationalism and Economic progress", the world Economy. No. 3, 1987.
- 12- Mancur Olson. Jr. "Distinguished lecture on Economics in Government", Journal of Economic Perspectives- Volume. 10, N2- spring 1996- pages 3-24.